

ترجمه غیر رسمی

بخش عمومی

تاریخ: ۲۴ اسفند ۱۴۰۳

نسخه اصلی: انگلیسی

شورای حقوق بشر

پنجاه و هشتمین نشست

فوریه - 4 آوریل ۲۰۲۵ (۱۶ بهمن ۱۴۰۳ - ۱۲ فروردین ۱۴۰۴)

مورد ۴ دستور جلسه

شرایط حقوق بشری که نیازمند توجه شورا است

گزارش کمیته مستقل بین المللی حقیقت یاب در مورد جمهوری اسلامی ایران

خلاصه

گزارش حاضر که در پی قطعنامه ۵۵/۱۹- به شورای حقوق بشر ارسال شده است، شامل تحقیقات کمیته مستقل بین المللی حقیقت یاب در مورد جمهوری اسلامی ایران تحت قوانین بین المللی حقوق بشر، و بنا بر نقض فاحش حقوق بشر و جنایت علیه بشر و در چارچوب اعتراضاتی است که در سپتامبر ۲۰۲۲ (شهریور ۱۴۰۱) شروع شد. در این گزارش، کمیته مأموریت خود را برای بررسی عمیق تر الگوهای نقض حقوق و جرایم، و همچنین تخلفات مقامات دولتی و ادامه ی آن ها پس از اعتراضات، از جمله معافیت از مجازات و مسئولیت های مرتبط، و همچنین یک نقشه راه برای پاسخگویی، عدالت، حقیقت و جبران خسارت گسترش داد.

۱. مقدمه

- 1- گزارش حاضر در پی قطعنامه ۵۵/۱۹ شورای حقوق بشر ارسال شده است، که طبق آن، شورا ماموریت کمیته مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب در مورد جمهوری اسلامی ایران (که از این پس به اختصار «کمیته» عنوان می‌شود) را به مدت یکسال، جهت اطمینان حاصل کردن از مستندسازی جامع و متناسب، راستی‌آزمایی، انسجام و تثبیت و حفظ و نگهداری مجموعه بزرگی از مدارک و شواهد مرتبط با موارد نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، در ارتباط با اعتراضاتی که از 16 سپتامبر 2022 (۲۵ شهریور ۱۴۰۱) آغاز شدند، به ویژه با توجه به موارد نقض مربوط به زنان و کودکان، در کنار سایر موارد، تمدید نمود. کمیته این جنبه از ماموریت خود را، ضمناً، با هدف حمایت از همه تلاشها برای تحقق پاسخگویی، از جمله پیگیری برای دستیابی به حقیقت، برابری، عدالت و اقدامات جبرانی برای قربانیان و خانواده‌های آنها و هم توسط آنها، تفسیر کرد.
- 2- گزارش حاضر حاوی نتایج و یافته‌های تثبیت شده‌ای از دو سال تحقیقات کمیته، شامل بر اطلاعات و مدارک و شواهد تکمیلی می‌باشد که به احراز حقایق و شرایط جدیدی، در ارتباط با موارد فاحش نقض حقوق بشر و جنایات علیه بشریت، در بستر اعتراضات، منجر گشتند. جهت حمایت از تلاش‌ها به منظور تامین اقدامات پاسخگویی برای قربانیان، کمیته اسناد اتاق کنفرانس (ای/اچ‌آرسی/۵۸/سی‌آرپی. ۱) را در ضمیمه ارائه می‌دهد که حاوی تحلیل و بررسی مفصل یافته‌های خود، از جمله شامل یک نقشه راهبردی برای تحقق پاسخگویی، حقیقت، برابری، عدالت، اقدامات جبرانی و سایر تدابیر و اقدامات جهت اطمینان حاصل کردن از جبران موثر خسارات برای قربانیان و بازماندگان می‌باشد.
- 3- شورا در قطعنامه‌های س-۳۵/۱ و ۵۵/۱۹ خود، خواستار همکاری کامل دولت ایران، از جمله با اعطای دسترسی و ورود بدون مانع به کشور و در اختیار گذاشتن اطلاعات لازم، برای تحقق ماموریت کمیته شد. از آغاز این ماموریت، کمیته 3654 درخواست اطلاعات به دولت ایران ارسال داشته است. علی‌رغم تایید دریافت پنج پاسخ طی چنین مراسلاتی، کمیته از بی‌پاسخ ماندن بقیه نامه‌ها و عدم ارائه اطلاعات درخواست شده در پاسخ‌های دریافت شده از دولت ایران، ابراز تاسف می‌کند. درخواست‌های کمیته برای دیدار با نمایندگان دائمی ایران در ژنو و صحبت در مورد موضوعات اساسی نیز به همین ترتیب بدون پاسخ مثبت مانده‌اند. کمیته همچنین انتشار گزارش

حاوی یافته‌های «کمیته ویژه بررسی‌های ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱» منصوب شده از جانب دولت ایران، در ماه مارس ۲۰۲۴ (اسفند ۱۴۰۲)، را پس از ارائه اولین گزارش کمیته حقیقت‌یاب به شورای حقوق بشر، بررسی کرد و در مارس ۲۰۲۵ (اسفند ۱۴۰۳) با سه عضو این کمیته دیدار کرد و داده‌های تکمیلی دریافت کرد.

4- کمیته مراتب سپاس و قدردانی خود را به قربانیان و بازماندگان، شاهد‌ها، و سازمان‌های جامعه مدنی، برای فراهم کردن اطلاعات، قدم به جلو گذاشتن و ارائه تجربیات خود با وجود مخاطرات امنیتی فزاینده برای خود و خانواده‌هایشان، از جمله باوجود ترس و هراس موجه از روبرویی با اقدامات تلافی‌جویانه به علت همکاری با کمیته، ابراز می‌دارد.

II. روش‌شناسی و معیار اثبات

- 5- کمیته، برای تضمین مستندسازی رویدادی قربانی محور، با اعطای توجه ویژه به بعد جنسیتی موارد نقض و جنایات، از روش‌های تحلیلی و بهترین شیوه‌ها و رویه‌های نهادهای سازمان ملل متحد پیروی کرد. کمیته تضمین کرده است که تمام فعالیت‌هایش در ادامه اکیدا منطبق با اصول «آسیب نرساندن»، استقلال، بی‌طرفی، شفافیت و پایبندی به رعایت اخلاق و صداقت بوده است.¹
- 6- پیرو شیوه معمول در نهادهای تحقیقی سازمان ملل، کمیته معیار اثبات «معقول» را مبنا قرار داد.²
- 7- کمیته، از این قرار، تاکنون بیش از 38000 مورد مدارک و شواهد جمع‌آوری نموده است. این موارد شامل 285 مصاحبه با قربانیان و بازماندگان، شاهد‌ها و سایر منابع اطلاعات، هم از راه دور و هم در بازدیدهای میدانی و همچنین دریافت اطلاعات از سازمانهای معتبر حقوق بشری، گزارش‌های کارشناسان پزشک قانونی و سایر موضوعات و صدها منابع ثانویه به منظور تایید و زمینه‌یابی اطلاعات گردآوری شده، می‌باشند.³

III. تعقیب و آزار مداوم علیه زنان، دختران و سایر حامیان حقوق بشر

(أ) تعقیب و آزار فراگیر زنان و دخترانی که از حجاب اجباری سرپیچی می‌کنند

¹ The mission's terms of reference are available from <https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/hrc/ffm-iran/index>.

² For the mission's detailed methodology see A/HRC/55/CRP.1, paras. 30-43.

³ Idem

8- دو سال و نیم پس از اعتراضات آغاز شده در شهریور ۱۴۰۱، رویارویی با تبعیض نظام‌مند،

در قانون و در عمل، برای زنان و دختران ادامه دارد که بر تمام جنبه‌های زندگی آنان تاثیر می‌گذارد، به ویژه در رابطه با اعمال و اجرای حجاب اجباری.

9- علیرغم تضمین‌های پیش از انتخابات رئیس جمهور جدید، دکتر پزشکیان، دایر بر ملایم کردن

اعمال و اجرای قوانین حجاب اجباری، مقامات کشور به وضع کردن تدابیر و اقدامات جدیدی ادامه دادند که مطالبات زنان و دختران را برای دسترسی به حقوق منکوب می‌کنند و به

سرکوب علیه حامیان جنبش «زن، زندگی، آزادی» ادامه می‌دهند. ظاهراً، در تلاشی برای

جابجایی مسئولیت اطاعت از حجاب، با محول کردن آن به کسب و کارها و افراد غیر دولتی، و

جلوه دادن این امر بعنوان یک مسئولیت مدنی، حکومت به نحو فزاینده‌ای متکی به اجرای

خودسرانه قانون با حمایت خود، برای به‌عهده گرفتن این مسئولیت شده است. نطق و بیان دولت

نیز درباره خودداری زنان و دختران از رعایت حجاب اجباری به سمت توجیه کردن و ناشی

دانستن آن از فقدان آگاهی یا آموزش زنان تغییر پیدا کرده است.

1) افزایش کنترل پلیس و تعقیب کیفری علیه زنانی که از حجاب اجباری نافرمانی می‌کنند

10- در ۱۳ آوریل ۲۰۲۴ (۲۵ فروردین ۱۴۰۳)، با درخواست ریاست قوه قضاییه، فراجا طرح

به‌اصطلاح «نور» را راه‌اندازی کرد، با این تاکید که این طرح دایر بر استقرار ماموران پلیس

در سراسر کشور برای «برخورد با زنان و دخترانی» می‌باشد که «با بی‌حجاب ظاهر شدن

ترویج نابهنجاری‌های اجتماعی می‌کنند». فرمانده سپاه پاسداران تهران، حسن حسن‌زاده، در

حمایت از این طرح در ۲۱ آوریل ۲۰۲۴ (۲ اردیبهشت ۱۴۰۳)، برقراری و استقرار

به‌اصطلاح «سفیران مهر» را با قصد نظارت تجسسی بر رعایت حجاب اجباری در فضاهای

عمومی شامل بازارها، پارک‌ها و وسایط نقلیه عمومی را اعلام کرد. طبق گزارش یک

سازمان حقوق بشر معتبر، در سال ۲۰۲۴ (۱۴۰۳)، دست‌کم ۶۱۸ زن در ارتباط با طرح

«نور» دستگیر شدند.

11- کمیته پیرو الگوهای احراز شده، موارد زنان و دخترانی که در حین دستگیری و در بازداشت

توسط «پلیس اخلاق/گشت ارشاد»، به علت فرض شده عدم رعایت حجاب مورد خشونت

فیزیکی قرار گرفته بودند، مورد تحقیق قرارداد. طبق گزارشاتی که کمیته دریافت کرد، اگر چه

ظاهراً، تسهیلات وزرا در تهران، دیگر بعنوان بازداشتگاه زنان و دختران به علت فرض عدم

رعایت قوانین حجاب اجباری، بکارگرفته نمی‌شود، اما دستگیری و بازداشت زنان توسط پلیس امنیت اخلاقی در کلانتری‌ها و پاسگاه‌های پلیس ادامه دارند.

12- مقامات کشور، علاوه بر این، از طریق قوه قضاییه، درصدد مستحکم کردن چارچوب حقوقی تبعیض‌آمیز موجود علیه زنان و دختران در ارتباط با حجاب اجباری، برآمدند. طی نیمه دوم سال ۲۰۲۴، زنان به طور فزاینده برای مراجعه به دادگاه‌های کیفری و انقلاب، از جمله مجتمع قضایی ارشاد در تهران، احضار شدند. در شماری از موارد، با اتکا بر مدارکی که تحت عنوان «گزارشات تهیه شده توسط پلیس» یا «تصاویر ارسالی توسط پلیس» بودند، زنان محکوم شدند، از جمله به مجازات شلاق، که خود تحت نظر بودن مستمر زنان و گزارش‌داده شدنشان توسط دستگاه حکومت، به علت عدم رعایت و اطاعت را مجدداً به‌تائید می‌رساند. اکثر زنان باید جریمه می‌پرداختند و در دست‌کم یک مورد، حساب بانکی یک زن بعنوان بخشی از حکم مسدود گشت.

13- روشنگ علیشه، در ۲۳ نوامبر ۲۰۲۴ (۴ آذر ۱۴۰۳)، طبق بخشی از حکم خود توسط شعبه ۱۹۰۷ مجتمع قضایی ارشاد، به اتهام «جریحه‌دار کردن عفت عمومی»، ۱۴ ضربه شلاق خورد. خانم علیشه در تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۲۴ (۱۳ آبان ۱۴۰۳)، در ارتباط با ویدئویی که به صورت آنلاین منتشر کرده بود و وی را بدون حجاب اجباری در برخورد با یک مرد موتورسوار که به گزارشی او را پیش‌تر مورد تعرض قرار داده بود، به تصویر می‌کشید، دستگیر شده بود. اخیراً در مارس ۲۰۲۵ (اسفند ۱۴۰۳) خواننده سرشناس ایرانی، مهدی یراحی، به علت انتشار موزیکی که در دوران اعتراضات نوشته بود و حجاب اجباری را نقد کرده بود و به عنوان بخشی از حکم خود ۷۴ ضربه شلاق خورد.

(2) قانون «حجاب و عفاف»

14- در ۱ دسامبر ۲۰۲۴ (۱۱ آذر ۱۴۰۳)، سخنگوی مجلس ایران اعلام کرد که «قانون حجاب و عفاف» در ۱۳ دسامبر ۲۰۲۴ (۲۳ آذر ۱۴۰۳) به اجرا درمی‌آید. هرچند، در ۲۴ آذر ۱۴۰۳، شورای عالی امنیت ملی، توقف این قانون را به جهت بررسی بیشتر، اعلام نمود. این قانون پیش از ابلاغ رسمی، ملزم به امضای رئیس‌جمهور است. بر اساس اطلاعات حکومت، یک «گفتمان داخلی» در مورد اینکه که آیا سازوکار اجرای تخلفات این قانون باید ماهیت کیفری داشته باشد یا مدنی، وجود دارد.

15- متن فعلی اگر اجرا شود، نظارت دولت بر خودمختاری بدنی زنان و دختران را نشان می‌دهد و

ناقص آزادی‌ها و حقوق بنیادین می‌باشد. این قانون حبس‌های طولانی مدت‌تر و جرمه‌های گزافی را بالغ بر ۱۲۰۰۰ دلار آمریکا، برای عدم رعایت تحمیل می‌کند. اگر رفتار آن‌ها مطابق با ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی به عنوان «افساد فی الارض» تلقی شود، ممکن است با مجازات اعدام نیز مواجه شوند.^۴ همچنین به ترویج تبلیغات دولت با افزایش استفاده از فناوری و نظارت‌های تجسسی، قدرتهای اجرایی بیشتری در اختیار دستگاه امنیتی ایران و شهروندان و کسب و کارها قرار می‌دهد.

(3) تشدید محدودیتهای دسترسی زنان و دختران بر حقوق بنیادین

16- هرچند، قانون «حجاب و عفاف» هنوز به طور رسمی به تصویب نرسیده است، اقداماتی مطابق با مقررات آن آغاز شده‌اند که در چارچوب گسترده‌تر طرح «نور» (در بالا) قرار می‌گیرند. این اقدامات شامل گسترش محدودیتهای موجود برای دسترسی زنان و دختران به حقوق اجتماعی و اقتصادی و خدمات مرتبط با آنها، از جمله سلامتی، تحصیل، اشتغال، امور بانکی و وسایل نقلیه عمومی می‌باشند. دولت همچنین به بستن کسب و کارهای خصوصی، از جمله کافه‌ها، رستوران‌ها و دفاتر تجاری، به علت عدم رعایت حجاب اجباری ادامه می‌دهد.

17- در نوامبر ۲۰۲۴ (آبان ۱۴۰۳) رئیس دفتر امور زنان و خانواده، در ستاد امر به معروف و نهی از منکر، بازگشایی یک «کلینیک»، برای دختران نوجوان، جهت «درمان علمی و روان‌شناختی برای ترک بی‌حجابی» را اعلام کرد.

(4) تقویت نظارت تجسسی

18- کمیته قبلا، افزایش استفاده دولت ایران از فناوری به قصد نظارت تجسسی بر رعایت حجاب اجباری توسط زنان و دختران را مستند کرده بود. در آوریل ۲۰۲۴ (فروردین ۱۴۰۳)، حکومت در تهران و جنوب ایران برای نظارت بر رعایت زنان و دختران از حجاب اجباری در فضاهای عمومی، متوسل به نظارت تجسسی هوایی از طریق پهپاد شد. همچنین به گزارشی یک سامانه جدید تشخیص چهره در ورودی دانشگاه امیرکبیر، در تهران، جهت نظارت بر رعایت حجاب زنان دانشجو نصب و راه‌اندازی گردید.

^۴ بر اساس پاسخ حکومت، اشاره به ماده ۲۸۶ در قانون مربوط به ایجاد مراکز فساد و فحشا بوده و هیچ ارتباطی با حجاب ندارد.

19- اقدام به مصادره کردن خودروهای زنان به علت ادعا شده نقض قوانین حجاب اجباری نیز

ادامه یافت، از جمله با اتکای افزایش یافته به افرادی با اختیار عناصر دولتی جهت اعمال اطاعت از این قوانین.

20- برای نمونه، کمیته یک نسخه از اپلیکیشن تلفن همراه «ناظر» را به دست آورده است که به افراد سنجش شده و پلیس در سراسر ایران این امکان را می‌دهد که موارد عدم رعایت حجاب زنان و دختران را در داخل خودروهای شخصی به پلیس گزارش کنند. در سپتامبر ۲۰۲۴ (شهریور ۱۴۰۳)، اپلیکیشن «ناظر» به‌روزرسانی شد تا امکان نظارت بر زنان را در آمبولانس‌ها، وسایط نقلیه عمومی، یا داخل تاکسی‌ها را نیز فراهم کند. اپلیکیشن «ناظر» از طریق وبسایت/تارنمای رسمی فراجا قابل دسترسی می‌باشد. کاربران می‌توانند مکان، تاریخ و شماره پلاک خودرویی که ادعا می‌شود در آن تخلف از حجاب روی داده است را ثبت کنند که سپس خودرو به صورت آنلاین «علامت گذاری» شده و پلیس مطلع می‌شود. سپس به مالک ثبت شده خودرو یک پیام «هشدار» در لحظه، ارسال می‌گردد.

5) سرکوب ابتکار عمل و پیشگامی‌های حقوق زنان

21- دولت همچنین تلاش‌های خود را برای سرکوب ابتکار عمل‌های مستقل و فعالیت باقی مانده زنان افزایش داد. مدافعین حقوق بشر برای فعالیتهای حقوق زنان، به حبس‌های طولانی مدت محکوم شدند، همانطور که در مورد ۱۰ زن و ۱ مرد که در سپتامبر ۲۰۲۳ (شهریور ۱۴۰۲) در استان گیلان دستگیر شدند و به حبس از سه تا شش سال و جمعا به ۶۰ سال زندان محکوم شدند.

22- گلرخ ابراهیمی ایرایی، یک زن مدافع حقوق بشر، از زمان دستگیری‌اش در اواخر سپتامبر ۲۰۲۲ (اواخر شهریور ۱۴۰۱)، بیش از ۳۰ ماه است که در زندان اوین بسر می‌برد. در آوریل ۲۰۲۳ (فروردین ۱۴۰۲)، وی توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به در تهران به ۷ سال حبس و ممنوعیت اقامت در تهران به دلیل حمایت از اعتراضات محکوم شد. در ژوئن ۲۰۲۳ (خرداد ۱۴۰۲)، خانم ایرایی اعلام کرد که درخواست عفو نخواهد کرد، زیرا معتقد است که تنها به دلیل فعالیتهایش دستگیر و بازداشت شده است.

23- فعالان زن و مدافعان حقوق بشر زندانی به دلیل ادامه فعالیت‌هایشان در زندان مشمول اتهامات جدید و محکومیت‌های اضافی می‌شوند. از جمله نرگس محمدی، که در اکتبر ۲۰۲۴ (مهر

۱۴۰۳) به علت اعتراض به اعدام رضا رسایی (پاراگراف 33) به شش ماه حبس اضافه در

زندان اوین محکوم شد. خانم محمدی پس از آن که وضعیت سلامتی وی به دلیل محرومیت

از خدمات پزشکی حداقل در ۹ نوبت بین سپتامبر و اکتبر ۲۰۲۴ (بین شهریور و مهر ۱۴۰۳)

به شدت وخیم شد، در ۴ دسامبر ۲۰۲۴ (۱۴ آذر ۱۴۰۳) به مرخصی پزشکی اعزام گردید.

24- به همین ترتیب، رضا خندان، همسر فعال برجسته حقوق بشر و مدافع حقوق زنان، نسرین

ستوده، در ۲۳ دسامبر ۲۰۲۴ (۳ دی ۱۴۰۳) در تهران دستگیر شد و به زندان اوین منتقل شد تا

دوران محکومیت سه سال حبس خود، کاهش یافته در تجدید نظر، را به اتهامات ملی امنیتی از

جمله «فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام» به علت تولید و توزیع سنجاق سینه‌های «نه به حجاب

اجباری» در سال ۲۰۱۹ (۱۳۹۸)، سپری کند.

ب) تشدید سرکوب علیه قربانیان، خانواده‌های آنها و سایر گروه‌های حامی حقوق و برابری

25- قربانیان و بازماندگان، از جمله آنهایی که اطلاعاتی درباره وقایع کورکردن در جریان

اعتراضات منتشر کردند، توسط ماموران امنیتی ردیابی شدند، و مکرراً مورد اذیت و آزار،

ارعاب و تهدید قرار گرفتند تا از شرکت در فعالیتهای علنی مرتبط با آسیب‌های خود و دیگران

خودداری کنند.

26- خانواده ژینا مهسا امینی در سپتامبر ۲۰۲۴ (شهریور ۱۴۰۳) برای دومین بار از برگزاری

مراسم سالگرد جان‌باختن دخترشان منع شدند. در ژانویه ۲۰۲۵ (دی ۱۴۰۳)، پدر خانم امینی،

پس از اعتراض به صدور حکم اعدام برای فعال مدنی پخش‌ان عزیزی (در ذیل) توسط دادگاه

انقلاب سقز به اتهام «تبلیغ علیه نظام»، متهم شد (پاراگراف 41).

27- مانند سال ۲۰۲۳ (۱۴۰۲)، بار دیگر، هنگام دومین سالگرد اعتراضات در سال

۲۰۲۴ (۱۴۰۳)، نیروهای امنیتی برای ساکت کردن و پیشگیری از تجمع خانواده‌ها بر سر

مزارها، سرکوب علیه خانواده‌های سوگوار را تشدید کردند، به ویژه در مکان‌هایی که

اعتراضات اوج گرفته بود و در استان‌های با جمعیت اقلیت. اعضای خانواده‌ها در یورش به

منازل خود، در مسیر رفتن به مراسم یادبود یا در حین شرکت در این مراسم دستگیر شدند و

برخی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. گزارش شده است که برخی دیگر در مکان‌های

نامعلومی نگه‌داشته شدند که این اقدام مصداق ناپدیدسازی قهری محسوب می‌شود. خانواده‌هایی

که به طور علنی خواستار پاسخگویی در مورد عزیزانشان شدند به «تبلیغ علیه نظام» یا

«تحریک به اغتشاش» متهم شدند تا مطالباتشان بی‌اعتبار شده و صداهايشان خاموش شوند.

برخی از آنها از استخدام محروم شدند، از کار اخراج شدند یا تنزل رتبه یافتند و در نتیجه،

خانواده‌ها از نظر مالی تحت فشار قرار گرفته و منزوی شدند.

28- کمیته همچنین الگوی مستمر آزار و اذیت، تهدیدها، ارباب، دستگیری‌ها و پیگرد کیفری، از

جمله صدور حکم اعدام برای حامیان اعتراضات را احراز کرد. این افراد شامل مدافعان حقوق

بشر، روزنامه‌نگاران، آموزگاران، وکلا، دانشجویان، رهبران اتحادیه‌های صنفی، موسیقی‌دانان،

هنرمندان و سایر گروه‌ها می‌شوند.

29- اجرای مستمر قوانین و سیاست‌های ذاتا تبعیض‌آمیز همراه با افزایش اقدامات انتظامی و

پیگردهای کیفری، نشان‌دهنده رفتارهای تعقیب و آزار مداوم حکومت در راستای سرکوب

حقوق زنان و دختران برای برابری است. رفتارهای در راستای تعقیب و آزار نه تنها شامل

قربانیان و خانواده‌های آنها می‌شوند که به طور سیستماتیک سرکوب شده‌اند تا ساکت بمانند،

بلکه به کسانی که با آنها اعلام همبستگی کرده‌اند، از جمله مدافعان حقوق بشر، وکلا و

روزنامه‌نگاران نیز گسترش یافته و بسیاری از آنها را مجبور به ترک ایران کرده است. در این

شرایط، حکومت نظارت تجسسی را تشدید کرده است، فضای دیجیتال را حتی محدودتر از

پیش کرده و سرکوب خود را به فراسوی مرزهای ایران گسترش داده تا کسانی را که هم در

داخل و هم در خارج (بخش‌های ۴ و ۵) از کشور، اعتراض خود را علنا مطرح می‌کنند، ساکت

کند. این اقدامات در کنار هم، نشان‌دهنده تلاش هماهنگ دولت برای سرکوب مخالفتها، تداوم

فضای ترس و معافیت از مجازات سیستماتیک است که منجر به محروم شدن قربانیان و

بازماندگان از حقوق خود برای حقیقت، عدالت، پاسخگویی و اقدامات جبرانی می‌شود.

IV. افزایش استفاده از مجازات اعدام پس از اعتراضات

30- در حالی که، دولت داده‌های جامع درباره آمار صدور و اجرای حکم اعدام انتشار نداده است،

سازمان‌های معتبر حقوق بشری افزایش شدید تعداد اعدام‌ها را پس از اعتراضات احراز

کرده‌اند، به طوری که در ۲۰۲۴ (۱۴۰۳) اعدام دستکم ۹۳۸ تا ۹۷۳ تن ثبت شده است. این

رقم، افزایشی قابل توجه و سه برابری نسبت به سال ۲۰۲۱ (۱۴۰۰)، یعنی سال پیش از آغاز

اعتراضات، نشان می‌دهد.

31- در ماه‌های منتهی به دومین سالگرد اعتراضات در سپتامبر ۲۰۲۴ (شهریور ۱۴۰۳) شمار اعدام‌ها به شدت اوج گرفت، به طوری که فقط در اوت ۲۰۲۴ (شهریور ۱۴۰۳)، ۹۳ تن اعدام شدند که این رقم بیش از دو برابر تعداد اعدام‌های ثبت شده در در ژوئیه ۲۰۲۴ (تیر ۱۴۰۴) با ۴۵ مورد بود. اگرچه بخش بزرگی از اعدام شدگان به جرایم مرتبط با مواد مخدر محکوم شدند، اما این روند افزایشی قابل توجه پس از اعتراضات ۲۰۲۲ (۱۴۰۱)، به‌نظر می‌رسد ارتباطی مستقیم با سرکوب گسترده مخالفان داشته باشد، این موضوع با سابقه طولانی مقامات ایرانی در استفاده از مجازات اعدام به‌عنوان ابزاری برای ایجاد ترس و سرکوب سیاسی مخالفان، از جمله معترضان و اقلیت‌ها، سازگار است.

(ا) اعدام‌ها و احکام اعدام مرتبط با اعتراضات

32- در زمان انتشار این گزارش، دولت ایران ۱۰ تن مرد را در ارتباط با اعتراضات اعدام کرده است. در تاریخ ۶ اوت ۲۰۲۴ (۱۶ مرداد ۱۴۰۳)، رضا رسائی، یک معترض جوان کرد و از پیروان آیین یارسان، به صورت مخفیانه و بدون اطلاع قبلی به خانواده یا وکیلش اعدام شد. این اعدام پس از محاکمه‌ای اجرا شد که با نقض جدی اصول دادرسی عادلانه همراه بود، از جمله با اتکا به اعتراف اخذ شده زیر شکنجه. وی به علت نقش ادعا شده در قتل یک مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۸ نوامبر ۲۰۲۴ (۲۷ آبان ۱۴۰۱) در جریان یک اعتراض در شهر صحنه در استان کرمانشاه، به اعدام محکوم شده بود.

33- دست‌کم ۱۴ مرد و ۳ زن دیگر نیز در معرض قریب‌الوقوع صدور حکم اعدام یا اجرای آن در ارتباط با اعتراضات قرار دارند. در تاریخ ۱۲ نوامبر ۲۰۲۲ (۲۲ آبان ۱۴۰۳)، شعبه ۱۳ دادگاه کیفری تهران ۶ مرد جوان را در یک محاکمه گروهی به اتهام «مشارکت در قتل و ضرب و جرح عمدی» در رابطه با مرگ آرمان علی‌وردی، مامور بسیج، در محله اکباتان تهران، به اعدام محکوم کرد. این احکام اعدام در شرایطی صادر شدند که گزارش‌های معتبر حاکی از نقض فاحش دادرسی عادلانه، از جمله اعترافات اجباری تحت شکنجه و اجبار متهمان به اقرار به جرم و علیه خود، در مقابل دوربین، بودند.

34- در تاریخ ۱۶ مه ۲۰۲۴ (۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳)، کمیته اطلاعاتی از دولت ایران درباره

پرونده‌های: توماج صالحی (خواننده رپ)، محمود محرابی (فعال مدنی)، مجاهد

کورکوری(معترض)، پس از صدور احکام اعدام آنها درخواست کرد. کمیته نگرانی خود را از نقض فاحش اصول دادرسی عادلانه و گزارش‌هایی مبنی بر اخذ اعترافات تحت شکنجه که مبنای محکومیت این سه نفر بوده‌اند، ابراز کرد. در پاسخ به کمیته، ستاد حقوق بشر ایران، ادعاهای مربوط به شکنجه را رد کرد و مدعی شد که متهمان به وکیل دسترسی داشته‌اند، اما اطلاعات درخواستی کمیته را در مورد مبنای محکومیت آنها، ارائه نکرد.

35- کمیته از لغو متعاقب احکام اعدام خواننده رب، توماج صالحی و فعال مدنی، محمود محرابی به ترتیب در ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۴ (۳۱ تیر ۱۴۰۳) و ۸ اکتبر ۲۰۲۴ (۱۶ مهر ۱۴۰۳)، استقبال می‌کند. با این حال، کمیته با نگرانی خاطر نشان می‌کند که اگرچه توماج صالحی در تاریخ ۱ دسامبر ۲۰۲۴ (۱۱ آذر ۱۴۰۳) آزاد شد، محمود محرابی همچنان دوسال بعد از دستگیری در سال ۲۰۲۳ (۱۴۰۲) به علت فعالیت‌ها و بیان دیدگاه‌های انتقادی علیه دولت و حمایت از جنبش «زن، زندگی، آزادی» در زندان بسر می‌برد.

36- در تاریخ ۱۱ دسامبر ۲۰۲۴ (۲۱ آذر ۱۴۰۳)، به نحو نگران کننده‌ای، یک دادگاه انقلاب در اهواز حکم اعدام مجاهد کورکوری را مجدداً صادر کرد، درحالی که دیوان عالی کشور ایران، این حکم را اوایل همان ماه لغو کرده بود.

(ب) تاثیر شديد جنسیتی

37- استفاده از مجازات اعدام علیه زنان کنشگر و مدافع حقوق بشر نیز به شدت افزایش پیدا کرده است، به ویژه پس از آنکه این زنان با اتهامات مرتبط با امنیت ملی و فعالیت‌های مدنی محکوم شدند. این روند نگران کننده، که پس از اعتراضات اخیر نیز تشدید شده، نمایانگر افزایش اقدامات تلافی جویانه علیه زنانی است که همچنان به مخالفت علنی خود با قوانین و سیاست‌های تبعیض آمیز ایران ادامه می‌دهند.

38- یک سازمان معتبر حقوق بشری ثبت کرده است که از میان ۲۴۱ زنی که بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۴ (۱۳۸۹ تا ۱۴۰۳) اعدام شده‌اند، دست کم ۳۱ زن (۱۳ درصد) در سال ۲۰۲۴ (۱۴۰۳) اعدام شده‌اند که بالاترین رقم ثبت شده از سال ۱۳۸۹ تاکنون است. از سال ۱۳۹۰ هیچ زنی در ایران به اتهام جرایم امنیت ملی اعدام نشد. این نوع اعدام‌ها در آذر ۱۴۰۲، یعنی یک سال پس از اعتراضات سال ۱۴۰۱، مجدداً آغاز شد که طی آن چهار زن، از جمله دو زن کرد، اعدام شدند. سه نفر از این زنان به اتهام «جاسوسی» اعدام شدند.

39- تنها در فاصله تیرماه تا مهر ماه سال ۱۴۰۳، سه زن فعال و مدافع حقوق بشر، به نام‌های

شریفه محمدی، پخش‌ان عزیزی و وریشه مرادی به اتهام «مبارزه مسلحانه علیه نظام» (بغی) به اعدام محکوم شدند. خانم محمدی به دلیل عضویت پیشین در «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری»، که دولت آن را با حزب کومله مرتبط دانسته و به عنوان سازمانی «تروریستی» می‌شناسد، محکوم به اعدام شد. خانم مرادی به اتهامات «بغی» به علت عضویت در «جامعه زنان آزاد شرق کردستان» که دولت آن را با حزب حیات آزاد کردستان «پژاک» مرتبط و «سازمانی تروریستی» می‌داند، به اعدام محکوم گردید. خانم عزیزی نیز به دلیل عضویت ادعایی در «حزب حیات آزاد کردستان» و همچنین حمایت او از خانواده‌های کشته‌شدگان اعتراضات محکوم به اعدام شد. این زنان در شرایطی به اعدام محکوم شده‌اند که گزارش‌هایی مبنی بر نقض فاحش اصول دادرسی عادلانه و اخذ اعترافات تحت شکنجه منتشر شده‌اند.

40- در تاریخ ۸ ژانویه ۲۰۲۵ (تاریخ ۱۹ دی ۱۴۰۳)، دیوان عالی کشور، حکم اعدام خانم عزیزی را تایید کرد. در ۱۳ فوریه ۲۰۲۵ (۲۴ بهمن ۱۴۰۳)، شعبه ۲ دادگاه انقلاب رشت حکم اعدام او را تأیید نمود و او اکنون در معرض خطر قریب‌الوقوع اجرای حکم قرار دارد. پرونده خانم مرادی نیز همچنان در انتظار بررسی در دیوان عالی کشور است.

۷. تثبیت تحقیقات کمیته حقیقت‌یاب

41- با توجه به تداوم عدم دسترسی کمیته حقیقت‌یاب به کشور ایران، و نیز با در نظر گرفتن محدودیت‌هایی که توسط دولت ایران بر ارتباطات آنلاین اعمال شد و آزار و اذیت قربانیان و خانواده‌هایشان در دوره نخست مأموریت، کمیته، انجام تحقیقات تکمیلی، در مناطق جغرافیایی دیگری که تأثیر سرکوب بر قربانیان به‌طور ویژه‌ای شدید بوده است، از جمله در مورد رویدادهای نمادین در مناطق محل سکونت اقلیت‌ها، و نیز استان‌های تهران، مازندران و البرز، را قابل اهمیت دانست. کمیته حقیقت‌یاب همچنین، در ادامه، الگوهای رفتار را علیه گروه‌هایی از جمله: کودکان، افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو + و اقلیت‌های اتنیکی و مذهبی، مورد بررسی و تحقیق قرار داد. علاوه بر این، توجه خود را به ادعاهای مربوط به اعدام‌های فراقضایی و «خودکشی‌های» اعلام شده از سوی دولت درباره معترضان معطوف کرد. کمیته در ارتباط با

استفاده از قوای قهریه، در تحقیقات خود به مواردی اولویت داد که در آنها ماموران امنیتی از سلاح‌های نظامی و سایر اسلحه‌ها و مهمات مرگبار استفاده کردند.

42- کمیته بر اساس مدارک و شواهد جدید، مجموعی از موارد کشتار و جراحات در 17 استان، مورد

دستگیری‌های خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری، از جمله تجاوز و سایر اشکال خشونت‌های جنسی و مبتنی بر جنسیت، احراز کرد. این مدارک و شواهد به مدارک محکم مبتنی بر جرم و جنایت، که کمیته در مأموریت اول خود گردآوری کرده بود، استحکام بیشتری بخشید و اساس یافته‌های کمیته از نقض فاحش حقوق بشر و جنایات علیه بشریت را تشکیل داد. در این بخش، نمونه‌ای از وقایع و الگوهای جدید نمادین که توسط کمیته مورد تحقیق قرارگرفت به طور خلاصه ارائه می‌شود.

(ا) توسل به قوای قهریه منجر به مرگ‌ها و جراحات

43- کمیته نمونه‌های بیشتری از استفاده غیرضروری و بی‌رویه از قوای مرگبار توسط ماموران امنیتی احراز کرد که منجر به کشتار و مجروح کردن معترضان و رهگذران ناظرشد، از جمله کودکان، در شرایطی که این افراد رفتاری حفاظت شده تحت قانون داشتند و تهدید قریب‌الوقوع مرگ یا جراحت جدی ایجاد نکرده بودند.⁵

44- کمیته حقیقت‌یاب تاکنون شواهد و مدارک منسجم و قابل توجهی جمع‌آوری کرده که الگوهای گسترده و سیستماتیک جراحات چشمی منجر به نابینایی معترضان و رهگذران ناظر را در هشت استان، مجدداً به تأیید می‌رسانند. قربانیانی که دچار چنین جراحاتی شدند عملاً «نشان‌گذاری» شدند، زیرا همچنان با تعداد زیادی ساچمه در سر و بدن خود زندگی می‌کنند و در برخی موارد این ساچمه‌ها آنقدر عمیق هستند که پزشکان قادر به خارج کردن آنها نیستند. این قربانیان همچنان از از عوارض جدی و خطر عفونت، و علاوه بر آن، از آسیب‌های روحی و روانی حاد، مزمن یا پیچیده رنج می‌برند.

1) کرج، استان البرز

⁵ کمیته یافته‌های قبلی خود را تأیید می‌کند که نیروهای امنیتی کشته و زخمی شده‌اند و مواردی از خشونت توسط معترضان مشاهده شده است، اما نتیجه‌گیری می‌کند که اکثریت قریب به اتفاق اعتراضات مسالمت‌آمیز بوده‌اند. A/HRC/58/CRP.1.

45- کمیته یک اعتراض قابل توجه در تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۲۲ (۱۲ آبان ۱۴۰۱) را در کرج مورد

بررسی و تحقیق قرارداد که طی آن دستکم سه معترض هدف شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای فلزی قرار گرفتند و مجروح شدند. یکی از این معترضان در اثر جراحت نابینا شد، در حالی که یک معترض دیگر، یک زن، مورد اصابت بیش از ۱۶۰ ساچمه در سر و بدنش واقع شد و زخمی شد. قربانی سوم، یک زن مدافع حقوق بشر که با حفظ حجاب، در تعدادی از اعتراضات شرکت کرده بود در حین فرار از مکان اعتراض، مورد اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای قرار گرفت که منجر به جراحت در پاهایش شد.

46- کمیته همچنین تحقیقات و بررسی‌های بیشتری بر روی پرونده سید محمد حسینی و محمد مهدی

کرمی، دو معترضی که در تاریخ ۷ ژانویه ۲۰۲۳ (۱۷ دی ۱۴۰۱) پس از یک دادرسی شتابزده همراه با نقض‌های فاحش اصول دادرسی عادلانه، از جمله، با اتکا به اعترافات اخذ شده زیر شکنجه محکوم به کشتن سید روح‌الله عجمیان، یک مأمور بسیج در همین مکان اعتراض در کرج گشته و اعدام شدند، انجام داد.

47- کمیته حقیقت‌یاب اطلاعات بیشتری را درباره قتل مأمور بسیج جمع‌آوری کرد. رسانه‌های دولتی

اعلام کردند که معترضان به سمت عجمیان سنگ پرتاب کردند و سپس او را لگد زدند، مورد ضرب‌وشتم قرار دادند، روی زمین کشیدند و چندین بار با چاقو به او ضربه زدند. با این حال، شهادت شاهدان نشان داد برخی معترضان از کسانی که در حال ضرب و شتم بودند خواستند که «متوقف شوند» و او را «روی زمین نکشند». در ویدیویی که از این اتفاق منتشر شد آقای عجمیان در حالی روی زمین افتاده و بیهوش است که هیچ اثری از خون روی لباس یا بدن او دیده نمی‌شود که نشان‌دهنده ضربات متعدد چاقو به بدن او باشد که طبق گزارش‌ها، منجر به مرگ او شد. همچنین، شواهد دیگری که دادگاه برای محکوم کردن و صدور حکم اعدام آقای حسینی و آقای کرمی به آن‌ها استناد کرد، از جمله گزارش پزشکی قانونی مورد اشاره قوه قضاییه، به‌رغم اینکه به وضوح در اختیار دولت بود، به صورت عمومی منتشر نشد. درخواست‌های اطلاعاتی که کمیته حقیقت‌یاب برای دولت ارسال کرد نیز بی‌پاسخ ماندند و در نتیجه، کمیته قادر به ارزیابی تمام شواهد مطابق با روش‌شناسی خود نبود.

ب) دستگیری‌ها، شکنجه و بدرفتاری خودسرانه در بازداشت

48- شواهد جدید، الگوهایی از بازداشت گسترده و زندانی کردن زنان، کودکان و مردان را به علت مشارکت در اعتراضات یا حمایت از اعتراضات را مجدداً به‌تایید رساندند. کمیته احرار کرد که بسیاری از این دستگیری‌ها توسط ماموران لباس شخصی صورت گرفت و سپس قربانیان به بازداشتگاه‌های رسمی و غیر رسمی تحت کنترل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات منتقل شدند.

49- قربانیان، از جمله کودکان در بازداشتگاه‌ها، تحت شکنجه و رفتارهای غیر انسانی از جمله، ضرب و شتم، شلاق و حبس طولانی مدت در سلول‌های انفرادی قرار گرفتند. شکنجه و بدرفتاری، هم در بازداشتگاه‌های غیر رسمی تحت کنترل سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات و هم در بندهای امنیتی ۲-الف و ۲۰۹ زندان اوین که توسط نیروهای مذکور اداره می‌شوند، ارتکاب یافتند.

50- کمیته الگویی از اعدام‌های مصنوعی معترضان بازداشت‌شده، از جمله کودکان را در بازداشتگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پلیس آگاهی فراجا(آگاهی) و وزارت اطلاعات احرار کرد که مصداق شکنجه محسوب می‌شوند. ماموران لباس شخصی با ماسک‌های جراحی برای پنهان کردن هویت خود، معترضان را دستگیر کردند و آنها را با خودروهای شخصی به بازداشتگاه‌های غیر رسمی منتقل کردند. برای اخذ اعترافات، ماموران امنیتی قربانیان را تحت شکنجه و بدرفتاری قرار دادند. هنگامی که قربانیان از اعتراف خودداری کردند، برخی از آنها را از سلول خود خارج کردند و به بازداشتگاه دیگری منتقل کردند، از جمله، در یک مورد انتقال به یک زندان رسمی و قراردادن آنها روی صندلی‌ها در حالی که طناب‌هایی به دور گردنشان انداخته بودند. دو زن نیز در معرض اعدام مصنوعی با اسلحه و از جمله با جوخه آتش قرار گرفتند.

51- کمیته، همچنین اطلاعات تازه‌ای در ارتباط با شرایط بازداشت در زندان‌های مرکزی مهاباد (آذربایجان غربی) و تبریز (آذربایجان شرقی) دریافت کرد. بازداشت‌شدگان در هر دو بازداشتگاه‌ها، در سلول‌های غیر بهداشتی و بیش از حد شلوغ نگهداشته می‌شدند و برخی از آنها مجبور به خوابیدن بر روی کف سلول یا بر روی یک تخت مشترک بودند. در زندان مرکزی تبریز، مقامات، علی‌رغم جراحات‌های واضح ناشی از گلوله‌های ساچمه‌ای و آثار ضرب و شتم، از انتقال بازداشت‌شدگان به مراکز درمانی و پزشکی خودداری کردند.

پ) تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت

52- کمیته موارد بیشتری از خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت علیه زنان، کودکان و مردان معترض، شامل تجاوز، تجاوز گروهی، تجاوز با شی، تهدیدهای به تجاوز و استفاده از شوک برقی در ناحیه تناسلی، از جمله علیه بستگان زن افراد، بازرسی‌های بدنی ناهنجار و توهین‌های لفظی مختص به جنسیت خاص، احرار کرد. این اعمال در حین انتقال بازداشت‌شدگان به بازداشتگاه و در بازداشت در واحدهای پلیس آگاهی فراجا، اطلاعات سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات ارتکاب یافتند.

53- در یک نمونه، که در یک استان اتفاق افتاد، زنی در سال ۲۰۲۳ در یک مکان اعتراض دستگیر شد، به شدت مورد ضرب و شتم از جمله با استفاده از زنجیر قرارگرفت و در معرض دو مورد اعدام مصنوعی قرارگرفت و در بازداشت پلیس آگاهی مورد تجاوز جنسی و در مکانی نامعلوم، توسط ماموران لباس شخصی مورد تجاوز گروهی قرارگرفت.

54- علاوه بر این ماموران امنیتی، یک زن معترض را بلافاصله پس از شلیک به وی و مجروح کردنش در یک محل اعتراضات، مورد خشونت جنسی قراردادند. قربانی توصیف کرد که پس از شلیک یک مامور لباس شخصی از فاصله نزدیک، با اصابت بیش از ۲۰۰ گلوله ساچمه‌ای به بدن و ناحیه تناسلی وی، مورد تعرض قرارگرفت.

ت) اعلام موارد مرگ معترضان توسط دولت تحت عنوان «خودکشی»

55- کمیته اطلاعات و شواهد بیشتری در رابطه با دستکم شش مورد گردآوری کرد که در آنها نشانه‌هایی از اعدام‌های فراقضایی معترضانی که بعداً توسط حکومت به‌عنوان مورد «خودکشی» مختومه اعلام شدند، یافت. این موارد شامل کودکان از جمله: سارینا اسماعیل‌زاده، نیکا شاکرمی، سارینا ساعدی و همچنین سه بزرگسال عاطفه نعمی، سامان بیگ و آیدا رستمی می‌شوند.

56- کمیته حقیقت‌یاب چالش‌های قابل توجه موجود در بررسی این پرونده‌ها برای تعیین علت(علل) و شرایط واقعی مرگ‌ها را تأیید می‌کند. با این حال، جدا ابراز نگرانی می‌کند که پاسخ دولت به این مرگ‌ها یادآور نحوه برخورد آن با سایر حوادث و کشتار افراد در محل یا نزدیکی اعتراضات است، و اینکه چنین روندهایی به‌عنوان بخشی از یک الگوی سازمان‌یافته برای

پنهان کردن حقیقت و فرار از مسئولیت بالقوه در قبال این مرگ‌ها می‌باشند. این الگوها شامل تأخیر یا نقص در تحقیقات درباره مرگ‌ها و روایت‌های متناقض رسمی درباره علل مرگ، عدم ارائه اطلاعات لازم مانند گزارش‌های سم‌شناسی برای اثبات «خودکشی» بوده است، در حالی که کمیته شواهدی از خشونت فیزیکی توسط مأموران دولتی، هم‌زمان یا پیش از مرگ قربانیان به دست آورده است. همچنین اظهارات معتبری از سوی بستگان قربانیان دریافت شده که با روایت‌های رسمی درباره علت (علل) مرگ تناقض دارند، این روایت‌ها حاکی از تهدیدها و بازداشت‌های مداوم، جلوگیری از برگزاری مراسم یادبود، صدور اتهامات کیفری و محکومیت اعضای خانواده، از جمله به شلاق، به دلیل تلاش برای تحقق عدالت در مورد مرگ عزیزانشان می‌باشند. علاوه بر این، گزارش شده که برخی از قربانیان به دلیل حمایت از اعتراضات، پیش از مرگ تحت نظر نیروهای امنیتی بوده‌اند، که نشان می‌دهد ممکن است عامدانه هدف قرار گرفته بودند. تمام این الگوها بر روی هم، دلالت بر مسئولیت دولت در نقض حق حیات و انکار عدالت در ارتباط با این مرگ‌ها می‌کنند.

ث) اقلیت‌های اتنیکی و دینی

1) توسل به قوای قهریه برای کشتار و مجروح کردن

سیستان و بلوچستان

57- کمیته حقیقت‌یاب تحقیقات عمیق‌تری را درباره اعتراضات «جمعه خونین» انجام داد، اعتراضی نمادین که توسط یک سازمان معتبر حقوق بشری به‌عنوان رویدادی با بالاترین شمار کشته‌ها (۱۰۳ نفر) تنها در یک روز، در جریان اعتراضات ثبت شده است. کمیته همچنین تحقیقات بیشتری را درباره سایر اعتراضات مهم در سال ۱۴۰۲ (۲۰۲۳) انجام داده که همگی در نزدیکی اماکن مذهبی مهم برای اقلیت بلوچ رخ دادند.

اعتراضات «جمعه خونین»، ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲ (۱ مهر ۱۴۰۱)

58- کمیته حقیقت‌یاب قبلاً احراز کرد که قوای مرگبار توسط نیروی امنیتی در «جمعه خونین» به‌طور کلی غیرضروری و در برخی موارد، در برابر تهدید ادعایی برخی معترضان نسبت به نظم عمومی بی‌رویه و نامتناسب بود و همچنین تاکتیک‌ها و سلاح‌ها که در واکنش به تجمعی مسالمت‌آمیز استفاده شد، غیرقانونی و احتمالاً ناشی از سیاست‌های تبعیض‌آمیز بود.

59- تحقیقات بیشتر، شواهد تکمیلی درباره توسل به قوای قهریه را آشکار کردند، که در کنار سایر

موارد، منجر به کشته شدن یک کودک ۷ ساله و نمازگزاران در داخل مصلا شدند. مرگ این دختر احتمالاً ناشی از اصابت گاز اشک‌آور به سر او بوده که به نیروهای امنیتی نسبت داده می‌شود، نیروهایی که در فاصله بسیار نزدیک-کمتر از ۱۰۰ متر- از بخش زنان، اقدام به پرتاب گاز اشک‌آور کرده بودند. کمیته حقیقت‌یاب قادر به تعیین این نبود که آیا نمازگزاران داخل مصلا بزرگ زاهدان به طور فردی توسط نیروهای امنیتی هدف قرار گرفته بودند یا آسیب به این مکان مذهبی عمدی بود. با این حال، کمیته حقیقت‌یاب معتقد است که تلفات انسانی و آسیب‌های ساختمانی، حداقل پیامد قابل پیش‌بینی اقدامات عامدانه بودند، با توجه به ماهیت تسلیحات نظامی که در نزدیکی محلی استفاده شده است که نمازگزاران، از جمله کودکان، به طور منظم برای نماز جمعه حضور پیدا می‌کردند.

زاهدان پس از «جمعه خونین»

60- طی سال ۲۰۲۳ (۱۴۰۲)، و برخلاف سایر مناطق کشور، اعتراضات در زاهدان به طور منظم

در روزهای جمعه بعد از نماز ظهر ادامه پیدا کردند، و نیروهای امنیتی نیز با همان شدت خشونت این اعتراضات را سرکوب می‌کردند.

61- در ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۳ (۷ مهر ۱۴۰۱)، حدود ۳۰۰ معترض، از جمله تقریباً ۱۰۰ پسر نوجوان، در نزدیکی مسجد مکی، برای ادای یادبود قربانیان حوادث «جمعه خونین» در سال ۲۰۲۲ تجمع کردند. معترضان شعار دادند و برخی به سوی نیروهای پلیس ضد شورش که قبلاً در آنجا مستقر شده بودند، سنگ پرتاب کردند. در واکنش، نیروهای امنیتی با لباس سیاه و مأموران لباس شخصی که در نزدیکی مسجد مکی و خیابان‌های اطراف مستقر شده بودند، با تفنگ‌های ساچمه‌ای، مسلسل و گاز اشک‌آور شروع به شلیک کردند و بسیاری را زخمی کردند. نیروهای امنیتی سپس در مقابل مسجد مکی، تعداد زیادی از معترضان را به طور جمعی بازداشت کردند، از جمله پسرهایی که فقط ۱۵ سال داشتند.

62- در ۲۰ اکتبر ۲۰۲۳ (۲۸ مهر ۱۴۰۲) معترضان در مقابل دارالعلوم، یکی از مدارس برجسته

سنی در نزدیکی مسجد مکی، جمع شدند. نیروهای امنیتی با استفاده از گاز اشک‌آور معترضان را مجروح کردند و دست به دستگیری‌های گسترده زدند، از جمله دستگیری کودکان، که برخی

از آن‌ها فقط ۸ سال داشتند. روز بعد، مدرسه دارالعلوم با صدور بیانیه‌ای این بازداشت‌ها و مجروحیت‌ها را محکوم کرد و اعلام کرد که نیروهای امنیتی بدون ارائه حکم قضایی وارد مجموعه مسکونی مدرسه شدند، محل سکونت‌ها را بازرسی کردند و چندین معلم را مورد ضرب و شتم قرار دادند و یکی از آن‌ها را بازداشت کردند.

پاسخگویی

63- «جمعه خونین» زاهدان از حوادث کمپایی بود که حکومت درمورد آن گام‌هایی در جهت انجام تحقیقات برداشت و مقاماتی که مسئول کشتار غیرقانونی بودند را عامل و پاسخگو شناخت. دولت اذعان داشت که تیراندازی «نیروهای پلیس» منجر به «مجروح شدن و جان‌باختن» نمازگزاران و «رهگذرانی» شد که در «ناآرامی‌ها» شرکت نداشتند.⁶

64- با این وجود، روند قضایی، به ویژه به علت فقدان شفافیت، نامتناسب و ناکافی بوده است. در ۲۱ ژوئن ۲۰۲۳ (۳۱ خرداد ۱۴۰۲) حسین‌علی میر، دادستان نظامی پس از تحقیقات، تایید کرد که ۱۵ تن از پرسنل درجه پایین نیروی انتظامی در ارتباط با «جمعه خونین» محکوم شدند و برخی از آنها طی این مدت درخواست تجدیدنظر کرده‌اند.

65- در تاریخ (۱۳ ژانویه ۲۰۲۵) ۲۴ دی ۱۴۰۳، علی موحدی راد، رئیس کل دادگستری سیستان و بلوچستان به گزارشی اعلام نمود که مرتکب (مرتکبین) به علت آنچه دشوار بودن تعیین هویتشان از اتهام «قتل» ادعا شد، تبرئه شدند و بدین ترتیب وی برخی از این افسران را به حداکثر ۱۰ سال حبس و پرداخت «دیه» محکوم کرد. رسانه‌های دولتی، تا این تاریخ، اطلاعات بیشتری در مورد این محاکمات، از جمله اسامی مجرمین مورد ادعا و اتهاماتی که طبق آنها به حبس محکوم شده‌اند را منتشر نکرده‌اند. فقدان شفافیت در ارتباط با این اعتراض‌نمادین از سوی دولت، موجب بروز نگرانیهای جدی درمورد حسن نیت تحقیقات دولت و واقعا معنا دار و هدفمند بودن این اقدامات و تدابیر جهت پاسخگویی و مسئول نگه‌داشتن عاملان می‌شود. براساس تحقیقات کمیته حقیقت‌یاب، شماری از خانواده‌ها و قربانیان و بازماندگان برای دریافت

⁶ «خلاصه از گزارش کمیته ریاست‌جمهوری درباره ناآرامی‌های سال ۲۰۲۲»، مارس ۲۰۲۴، ص. ۸۶-۸۲. مجموعه‌ای از گزارش‌های توضیحی درباره درگذشت مهسا امینی و ناآرامی‌های اخیر در ایران، شورای عالی حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران، ص. ۹۹.

«دیه» تهدید به ساکت ماندن شده‌اند، و در یک مورد به آنها گفته شده که مرگ عزیز خود را با عنوان «شهید» نامگذاری و مزین کنند.

66- کمیته حقیقت‌یاب هیچگونه اطلاعاتی مبنی بر تحقیقات صورت گرفته در ارتباط با اعتراضات (۲۹ سپتامبر ۲۰۲۳) ۷ مهر ۱۴۰۲ یا (۲۰ اکتبر ۲۰۲۳) ۲۸ مهر ۱۴۰۲ دریافت نکرده است.

67- کمیته حقیقت‌یاب، نگرانیهای امنیتی در استانهای مرزی ایران و سابقه حرکتهای مسلحانه در سیستان و بلوچستان، و دستکم، دو مورد از برخوردهای مستند میان نیروهای امنیتی و گروه‌های مسلح که در طول مدت گزارش‌دهی این کمیته منجر به مرگ مقامات و صاحب‌منصبان شدند را تایید می‌نماید.

68- کمیته درحالی‌که امکان حضور برخی از اعضای جیش‌العدل را در (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲) ۸ مهر ۱۴۰۱ محتمل می‌داند، تاکید دارد که به ویژه، در غروب این روز، اعتراض به طور گسترده مسالمت‌آمیز بود و برخاسته از رنج‌ها و نارضایتی‌های دیرینه بی‌پاسخ مانده، که ریشه در دهه‌ها سال تبعیض ساختاری علیه اقلیتها داشت. شمار غیرعادی و بالای قربانیان کودک (۱۳) در سال ۱۴۰۱ (۲۰۲۲) و بار دیگر در ۱۴۰۲ (۲۰۲۳) در زاهدان نیز این تبعیض را ثابت می‌کند. مدارک و شواهد مربوط به مجروحین در سالگرد «جمعه خونین»، از جمله کودکان مجروح و همچنین مجروحیهایی که در نزدیکی مدرسه علوم دینی دارالعلوم پس از گذشت یکسال به‌وقوع پیوستند، نیز در ادامه دلالت بر استفاده مداوم غیرضروری و بی‌رویه از قوای مرگبار توسط ماموران امنیتی در زاهدان، از جمله در جریان عملیتهای نیروی انتظامی در مجاورت مساجد سنی مذهب‌بان دارند.

2) استانهای کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی

69- طبق مدارک و شواهد جدید، مجدداً تایید گشت که نیروهای امنیتی در اعتراضات واقع در استانهای با جمعیت کرد بیش از مناطق مرکزی و فوراً پس از شروع اعتراضات، تسلیحات و تجهیزات نظامی مستقر کردند که منجر به مجروح شدن و کشتار معترضین گشت. این اسلحه‌ها شامل سلاح‌های گرم، تفنگهای جنگی اوتوماتیک و نیمه اوتوماتیک از جمله تفنگهای وینچستر و کلاشنیکف و سلاحهای نظامی، از جمله ژ ۳ و مسلسل‌های سنگین دوشکا بودند. نیروهای امنیتی به طور یکسان متوسل به استفاده از (شاتگان) تفنگهای ساچمه‌ای و سلاح‌های گرم حاوی مهمات ساچمه‌ای شدند.

70- کمیته مجددا تایید نمود که در شهر سقز، یگانهای ویژه فراجا و واحدهای اطلاعات سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی، در ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۲ (۲۶ شهریور ۱۴۰۱)، از همان روز خاکسپاری ژینا مهسا امینی، خودروهای نظامی مستقر کردند و با سلاح‌های گرم به معترضان شلیک کردند و آنها را مجروح کردند.

71- طبق اظهارات شاهدان و گواهی‌های فوت دریافت شده توسط کمیته، دست‌کم ۲۲ تن معترض، عمدتاً مرد، که در مکانهای اعتراضات یا در نزدیکی این مکان‌ها، در شهرهای کانون اعتراضات واقع در استانهای با جمعیت کرد، از جمله مهاباد، سنندج و جوانرود کشته شدند. در حداقل پنج مورد از این موارد، قربانیان با شلیک اسلحه گرم کشته شدند.

3) استان آذربایجان شرقی

72- کمیته اطلاعات معتبری دریافت نمود دایر براینکه شمار قابل توجهی از کشتارها و جراحات حاصل استفاده از قوای مرگبار، در استان آذربایجان شرقی نیز که عمدتاً محل سکونت اقلیت ترک آذربایجانی است ارتکاب یافته‌اند.

اقدامات تبعیض‌آمیز در زمینه بازداشت و محکومیت در مناطق با جمعیت اقلیت

73- تحقیقات، دامنه وسیع دستگیریهای ارتکاب یافته در استانهای با جمعیت اقلیتهای ازنیک و مذهبی را، مجدداً به‌تایید رساندند، از جمله شامل کودکان قربانی، که عمدتاً در بازداشتگاه‌های غیررسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اطلاعات سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات نگهداشته شدند. کمیته دو بازداشتگاه غیررسمی دیگر را در استان آذربایجان شرقی شناسایی کرد که معترضان ترک آذربایجانی در آنها نگهداشته می‌شدند، هر دو این مکانها به گزارش، توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اداره می‌شوند.

74- جهت اخذ اعترافات، اقلیتها تحت اشکال به ویژه فاحش شکنجه قرار گرفتند، از جمله القای حس غرق شدگی/شکنجه با آب، خشونت جنسی، و حبس در سلول انفرادی تا مدت ۳۲ روز. در سیستان و بلوچستان، ماموران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازداشت شدگان را مجبور کردند سلول‌ها را با دست‌های خود تمیز کنند و مانع خوابیدن قربانیان و بازماندگان در طول شب شدند. ماموران امنیتی همچنین ازنیک، ارزشهای فرهنگی و پوشاک سنتی آنها را مورد تمسخر قرار دادند و کلام غیرانسانی

و تحقیرآمیز بر علیه آنها به کار بردند، از جمله آنها را «بزهای کوهی» و «حیوان‌ها» صدا کردند، که این رفتار بازتابی از تبعیض ساختاری عمیقاً ریشه‌دار علیه اقلیتهای اتنیکی و دینی می‌باشد.

تأثیرات جنسیتی

75- زنهای اقلیت‌های اتنیکی و دینی، هم به سبب زن بودن و هم به علت اقلیت بودن، آشکارا مورد آزارهای متمایزی قرار گرفتند که آمیخته به تبعیض و خشونت از پیش موجود بر علیه آنها بود. در یک مورد، زنی از یک گروه اقلیت اتنیکی و دینی در سپتامبر ۲۰۲۲ (شهریور/مهر ۱۴۰۱) در جریان یکی از اعتراضات توسط مامورین اطلاعات دستگیر و بازداشت شد. در طول بازجویی‌ها، ماموران اطلاعات، ظاهر فیزیکی وی را مورد تمسخر قرار دادند و ارزشهای فرهنگی او را مورد استهزا قرار دادند، به او گفتند: «شما [گروه اقلیت]، اگر همه‌تان بمیرید برای ما بهتر خواهد بود؛ تمام نسل شما باید نابود شود. تو یک زن از [گروه اقلیت] چطور حتی جرات می‌کنی در مقابل حکومت بایستی؟»

76- شواهد و مدارک جدید، الگوهای احراز شده از قبل، حاکی از رویارویی اعضای اقلیتهای اتنیکی با میزان بالاتری از اتهامات و محکومیت مرتبط با امنیت ملی توسط دادگاه‌های انقلاب را مجدداً به‌تایید رساندند، از جمله مواجهه این افراد با اتهاماتی چون «تجمع و تبنانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت»، «برهم زدن نظم عمومی» و «تبلیغ علیه نظام».

ج) افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+

77- کمیته به تحقیق در مورد رفتار با افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ را در جریان اعتراضات ادامه داد. ایران از معدود کشورهایی می‌باشد که برای روابط توافقی افراد با همجنسان خود مجازات اعدام را تحمیل می‌کند و جرم‌انگاری افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ از مدتها قبل، توسط سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل، مصداق تبعیض محسوب شده است. همچنین، اظهارات و بیانیه‌های عمومی تبعیض‌آمیز مقامات، در عالی‌رتبه‌ترین سطوح نیز که در طول دهه‌ها ادامه یافته است، به وخیم‌تر کردن این وضع منجر شده است.

78- در این شرایط، افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ به طور فعال، برای همبستگی و پشتیبانی از اعتراضات و برای نشان دادن و نمایان کردن ناراضایتی‌ها و رنج‌های خود به خیابانها آمدند، درست مانند همان افرادی که برای دسترسی به برابری جنسیتی اعتراض می‌کردند.

79- افراد جامعه ال جی بی تی کیو+ در جریان اعتراضات به طرز نامتناسب و بی رویه ای به علت گرایش جنسی و هویت جنسیتی واقعی یا انگاشته شده خود تحت تاثیر قرار گرفتند. در کانونهای اعتراضات، افرادی که نشان هایی در ارتباط با جامعه ال جی بی تی کیو+، همچون پرچم رنگین کمان یا پرچم افتخار ترانسنسیتی/ترنسجندر به همراه داشتند را برای دستگیری هدف گرفته و مورد تمایز قرار دادند. در بازداشت، این افراد مورد توهین هایی که از آنها سلب انسانیت می کرد، تهدیدها و رفتاری که مصداق شکنجه دارند قرار گرفتند. جهت اخذ اعترافات، قربانیان و بازماندگان تهدید می شدند که خانواده ها یا اجتماعاتشان را از گرایش/هویت جنسی آنها خبردار می کنند. افراد ال جی بی تی کیو+ همچنین به علت اتهام های مختلف مرتبط با امنیت ملی تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند و در جریان بازجویی ها با تعقیب قضایی مبتنی بر روابط با همجنس که می تواند مجازات اعدام داشته باشد، مورد تهدید واقع شد.

80- سیاستها و قوانین از پیش موجود تبعیض آمیز، بستر مناسبی را برای ارتکاب موارد فاحش نقض حقوق بشر علیه افراد جامعه ال جی بی تی کیو+ مهیا کردند. شواهد و مدارک اشاره بر آن دارند که اقدامات حکومت، سبب تشکیل کارزاری عمادانه شد تا افراد ال جی بی تی کیو+ را از طریق اعمال خشونت و تبعیض نظام مند، در جریان اعتراضات هدف گرفته و سرکوب کند. براین اساس، کمیته احراز می کند که مبنای معقول برای این باور که مردم ال جی بی تی کیو+ به طور ویژه هدف اعمال و اقداماتی شدند، که مصداق آزار و اذیت و تعقیب مبتنی بر جنسیت دارند، وجود دارد. هدف گرفته شدن آنها، مبتنی بر گرایش جنسی واقعی و انگاشته آنها بوده که با کنشگری و عقاید و باورهای سیاسی اشان در هم تنیده شده اند.

VI. کودکان

81- کمیته در طول دوران گزارش، تحقیقات خود را در مورد وضعیت کودکان بعنوان یک جنبه و ویژگی مهم جنبش «زن، زندگی، آزادی» عمیق تر کرد. به علت حضور طولانی مدت دانش آموزان، دختران و پسران، در صف مقدم جنبش اعتراضی در ایران، مقامات حکومت، به ویژه، متوسل به اقدامات و تدابیر خشونت آمیز جهت تنبیه و مجازات کودکان و جوانان به علت نقش محوری آنها در سپتامبر ۲۰۲۲ (شهریور-مهر ۱۴۰۱) شدند. این اقدامات شامل استفاده از قوای مرگباری می گردد که

منجر به کشتار، آسیب جدی و نقص عضو کودکان، دستگیریها و بازداشت جمعی، همچنین ناپدیدسازی، شکنجه و خشونت جنسی علیه کودکان قربانی گشت که خردسالترین آنها ۷ ساله بودند.

82- تحت قانون جزای ایران، سن مسئولیت کیفری مرتبط با «سن بلوغ» است که برای دخترها ۹ سال و برای پسرها ۱۵ سال (ماده ۱۴۷) می‌باشد. این امر به ویژه سبب آسیب‌پذیرتر کردن کودکان در مقابل موارد نقص در بازداشت و همچنین مجازاتهای شدید از جمله به علت اتهامات امنیت ملی برای رفتارهای حفاظت شده تحت قانون می‌گردد. سن بسیار کم مسئولیت قضایی برای کودکان، به‌خودی خود، تحت کنوانسیون حقوق کودک، که ایران از اعضای آن می‌باشد نقض آشکار حقوق کودک است. سن پایین‌تر مسئولیت قضایی برای دخترها، به ویژه موجب نگرانی است، چراکه با تشدید بیشتر تبعیض مبتنی بر جنسیت و مبتنی بر سن علیه آنها، پیامدهای منفی برای دخترها دارد.

(ا) کشتار و مجروح کردن کودکان

- 83- کمیته قبلاً احراز کرد که ۵۷ تا ۶۸ کودک در جریان اعتراضات کشته شدند و کشتار این تعداد کودک را مجدداً تایید می‌نماید.
- 84- نیروهای امنیتی از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و پلیس با توسل به استفاده غیرضروری و نامتناسب و بی‌رویه از قوه قهریه، کودکان معترض و رهگذر ناظر را که اکثراً پسر بودند کشتند و دچار نقص عضو و آسیب جدی کردند، از جمله برخی به خردسالی ۷ سال.
- 85- کمیته احراز نمود که کودکان پس از شلیک سلاح گرم یا اسلحه ساچمه‌ای از فاصله نزدیک، توسط ماموران امنیتی کشته شدند. برای نمونه، به کومار درافتاده، یک پسر ۱۶ ساله از پیرانشهر در استان آذربایجان غربی، در مسیر رفتن برای تماشای مسابقه فوتبال، در ۳۰ اکتبر ۲۰۲۲ (۸ آبان ۱۴۰۱) شلیک شد. وی توسط ماموران لباس شخصی پس از آنکه به علت فرضی نقش لیدری/سرکردگی در اعتراضات هدف گرفته شد، از فاصله نزدیک مورد اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای قرار گرفت. بر اساس اطلاعات معتبر، دومین شلیک مرگبار به کومار پس از افتادن او بر روی زمین و هنگامی که وی به مامور التماس می‌کرد دیگر شلیک نکند رخ داد.
- 86- کودکان همچنین در اثر عواقب آسیبهای ناشی از ضرب و جرح‌های شدید و آسیب و ترومای غیر نافذ حاصل از ضربات متعدد باتوم‌ها به سرهای خود توسط نیروهای امنیتی، از جمله نیروی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کشته شدند.

ب) دستگیریهای خودسرانه

87- کودکان روزمره به سبب شرکت در اعتراضات دستگیر شدند و توسط نیروهای امنیتی که آنها را گرفته بودند مورد ضرب و شتم قرار گرفتند، از جمله با باتوم، مشت، لگد و سیلی. سپس به کودکان چشم‌بند و دست‌بند زدند و آنها را به مکانهای غیررسمی که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت اطلاعات، بسیج و نیروی انتظامی اداره می‌شوند منتقل کردند.

88- کودکان وقایع دلخراشی از تجربیات خود در مدت انتقال به بازداشتگاه‌ها روایت کردند. این تجربیات شامل پرت کردن داخل آمبولانس‌ها و با فشار زیر پا قراردادن و نگهداشتن‌شان، گذاشتن در صندوق عقب یا کف خودروی پلاک شخصی و منتقل شدن به بازداشتگاه‌هایی بودند که توسط نهادهای مختلف امنیتی اداره می‌شوند.

پ) بازداشت، شکنجه، خشونت جنسی و ناپدیدسازی قهری

89- کودکان در بازداشتگاه‌های رسمی و غیررسمی، به طور معمول، اغلب، هر دفعه طی هفته‌ها در کنار بزرگسالان نگهداشته می‌شدند، بدون اینکه از علل یا دلایل دستگیری یا بازداشتشان اطلاعی به آنها داده شود و بدون دسترسی به وکیل، با رفتار و اعمالی مواجه بودند که در بعضی از موارد مصداق ناپدیدسازی قهری دارند.

90- شواهد و مدارک جدید مجدداً طیف گسترده شکنجه، همچنین بدرفتاری، از جمله الگوهایی از شکنجه روحی روانی که علیه دخترها و پسرهای دستگیر و بازداشت شده در جریان اعتراضات ارتکاب یافتند را تایید کردند. کمیته ۱۵ مورد شرح واقعه جدید از کودکانی که خردسال‌ترینشان ۱۲ ساله بودند گردآوری کرد که حاکی از تجربیات کودکان در ۱۰ استان، شامل کتک خوردن، تجاوز، و تهدید از سوی پلیس، سپاه پاسداران، اطلاعات و بسیج جهت اخذ اعترافات هستند. الگوهای شکنجه روانی، به ویژه، نگران‌کننده بودند، از جمله اعدام مصنوعی، تهدید به کشتن و تجاوز یا تهدید به آسیب رساندن به اعضای خانواده به قصد القای ترس و وحشت. کمیته در این زمینه همچنین الگوی حبس انفرادی کودکان تا مدت ۹ روز را در بازداشتگاه‌های غیررسمی احراز کرد که توسط اطلاعات سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، و بسیج اداره می‌شوند. قاضی‌ها به گزارشهای شکنجه کودکان متهم رسیدگی نکردند، از ارزیابی اعتبار اعترافات اخذ شده زیر شکنجه که به آنان گزارش شدند خودداری نمودند و به آثار ضرب و جرح کودکان در محاکمه توجه نکردند.

ت) دادرسی و محکوم کردن کودکان

- 91- کمیته الگویی را احراز کرد حاکی از آنکه مقامات قضایی و بازداشت کننده، به طور شایعی از دادگاه‌های اطفال و نوجوانان مسئول روندهای قضایی افراد زیر سن قانونی، استفاده نکردند و با نقض اصول مربوطه، در عوض کودکان را به علت مشارکت در اعتراضات، و همچنین با اتهامات امنیت ملی، در دادگاه‌های انقلاب محاکمه کردند.
- 92- کودکان علی‌رغم وضعیت سنی خود، شامل هیچ شکلی از ملایمت یا کاهش حکم نشدند. مدارک دادگاه حاکی از آن بودند که دختران و پسران، خردسال‌ترین آنها با سن ۱۲ سال، به علت رفتارهای حفاظت شده، از جمله شرکت در اعتراضات و شعارنویسی، متهم به جرایم مرتبط با امنیت ملی شدند. در یک مورد، در اواخر سال ۲۰۲۲، دختری فقط به علت شعارنویسی در استان آذربایجان شرقی دستگیر شد. وی توسط یک دادگاه انقلاب متهم به «تبلیغ علیه نظام» شد و به یک سال زندان محکوم گشت.
- 93- طبق اطلاعات معتبر، یک دختر ۱۶ ساله به جرم «محاربه» که مجازات اعدام دربردارد محکوم شد و به مدت ۲ ماه تا وقت دادگاه، ممنوع از ملاقات و تماس و بدون دسترسی به وکیل نگهداشته شد. بنابر اطلاعات معتبر دیگری، در برخی موارد کودکان از داشتن وکیل، حتی از فهرست وکلای تأیید شده توسط قوه قضاییه، محروم بودند. با این حال، در مواردی که به کودکان وکیل اختصاص داده می‌شد، معمولاً به آن‌ها توصیه می‌شد که اتهامات را بپذیرند و به گناهکاری اعتراف کنند، ظاهراً با این تصور که این کار ممکن است منجر به آزادی یا تخفیف مجازات، با وجود ماندگاری سابقه کیفری، آن‌ها شود.
- 94- طبق قانون ایران، انتشار یا پخش دادرسی دادگاه کودکان، و یا انتشار تصاویر یا هویت‌های کودکان متهم ممنوع می‌باشند، با این وجود کمیته نمونه‌هایی از پخش محاکمات کودکان معترض و پخش اعترافات کودکان را توسط رسانه ملی مستند کرده است.

ث) پیامد شدید

- 95- برخورد و رفتاری که در جریان اعتراضات با کودکان شد تاثیر به ویژه زیان‌آوری بر روی آنها داشته است، بسیاری از این کودکان هنوز از ناتوانی فیزیکی، آسیب روحی روانی، افسردگی و سایر گونه‌های عواقب روحی و روانی و فیزیکی رنج می‌برند. کارشناسان در گفتگو با کمیته، از محدودیت دسترسی کودکان قربانی و بازمانده بر خدمات حمایتی که برانگیزنده ترس و موجب سایر

حصارها و موانع برای آنها گشته و خطر دائمی شدن و ماندگاری عواقب روحی روانی، فیزیکی، و اجتماعی برای کودکان دارد و از شمار بالای افکار خودکشی این کودکان، ابراز نگرانی کردند. در یکی از نمونه‌های مورد تحقیق کمیته، پدر و مادر کودکی که در اعتراضات با اصابت گلوله جنگی دچار جراحات فیزیکی شده بود، گفتند که برای مانع شدن پسرشان از خودکشی هیچ چاره دیگری جز اینکه هر شب پسرشان را با یک طناب ببندند، برایشان باقی نمانده بود.

.VII فضای دیجیتال

96- فضای دیجیتال در ایران یک وسیله و محل حیاتی تبادل نظر برای مردم می‌باشد که ارتباط گرفتن، سازمان‌دهی، ابراز عقاید، و دستیابی به حقیقت و عدالت را برای آنها میسر می‌کند. حکومت در واکنش، از تکنولوژی در جهت ساکت کردن مخالفان استفاده کرد، که دولت را با ابزاری نیرومند جهت ادامه سرکوب تجهیز کرد تا با کمک فناوری، نظارت خود را به قصد محدودکردن آزادی بیان و کنترل روایتها تشدید کند و تداوم ببخشد.

97- دولت قطعی‌های اینترنت در دوران اعتراضات را تحمیل کرد و به توسعه رساندن (اینترنت ملی) شبکه ملی اطلاعات خود (ان‌آی‌ان)، به قصد ادامه سرکوب صداهای منتقدانه، استفاده از اپلیکیشن‌های موبایل را محدود کرد و مبادرت به نظارت تجسسی گسترده کرد. از این ابزار نه تنها برای محدود کردن آزادی عقیده و بیان بلکه همچنین جهت تحت نظر داشتن و هدف گرفتن افراد از جمله کنشگران و روزنامه‌نگاران و ارباب و ساکت کردن عقاید مخالف و منتقدانه استفاده می‌شود. در نتیجه، سرکوب به فراسوی فضاها فیزیکی تعمیم می‌یابد و بر پلتفرم‌های آنلاین که بسیاری برای آزادانه ابراز کردن خود از آنها استفاده می‌کنند، تاثیر می‌گذارد و به طرز موثری سبب ساکت کردن صدای قربانیان و بازماندگان و مدافعین حقوق بشر می‌گردد.

98- دولت ایران، در پی اعتراضات، کنترل و نظارت تجسسی بر فضای مجازی را تشدید کرد. در فوریه ۲۰۲۴ (بهمن ۱۴۰۲) شورای عالی فضای مجازی، شبکه‌های خصوصی مجازی (وی‌پی‌ان‌ها) را ممنوع کرد و کاربران را برای دسترسی به پلتفرم‌های خارجی ملزم به استفاده از سرورهای پراکسی داخلی مورد تایید دولت نمود تا بدین وسیله نظارت تجسسی بالقوه دولت میسر شود. شهروندان همچنین جهت استفاده از خدمات ضروری مانند خدمات بانکی و تحصیلی مجبور به استفاده از اپلیکیشن‌های داخلی شدند در عین حال طبق یک گزارش معتبر مشخص شد که برخی از این اپلیکیشن‌ها از جمله اپلیکیشن بله فعالیت کاربر را تحت نظر داشته‌اند.

99- محدودیتهای بعدی شامل قانونی در نوامبر ۲۰۲۳ گشت که دستور ردیابی در لحظه فعالیت آنلاین را جهت تجزیه تحلیل رفتارهای اجتماعی و پیشگیری از «آسیبها» می‌داد، که سبب بروز نگرانی در مورد حق حریم خصوصی می‌گردد. قانون «تحول و تعالی قوه قضاییه»، مورخ ماه مه ۲۰۲۴، به دولت، مجوز دسترسی بر اطلاعات خصوصی از جمله سوابق بانکی و سیم کارد شهروندان را ارائه نمود. در سپتامبر ۲۰۲۴، مقامات، سیم کارتهای روزنامه‌نگاران، فعالان و مدافعین حقوق بشر را قطع کردند و با این کار دسترسی آنها را بر خدمات بانکی و ضروری محدود نمودند. قربانیان برای اخذ دسترسی به این خدمات، جهت بازجویی، توسط نیروهای امنیتی از جمله پلیس سایبری (فتا) و اطلاعات سپاه پاسداران احضار شدند.

VIII. رانده شدن

100- رفتار در راستای تعقیب و آزار علیه قربانیان و بازماندگان، سبب ایجاد یک الگوی رانده شدگی و جابجایی ناخواسته شده است که مانع از زندگی امن در محل مورد انتخاب افراد در ایران، یا بازگشت داوطلبانه از خارج از کشور به خانه‌هایشان می‌گردد.

(ا) تبعید داخلی

101- چنین اقدامات و تدابیر مجازات‌کننده‌ای شامل احکام نفی بلد یا تبعید درون مرزی می‌گردند که در عمل منجر به رانده شدن و بیرون کردن اجباری قربانیان و بازماندگان از محل زندگی خود و تبعید در مناطق محروم اقتصادی کشور و گذراندن حکم حبس یا الزام به سکونت در تبعید و دور کردن آنها از خانواده‌ها و محیط‌های اجتماعی‌اشان می‌شوند.

102- کنشگران، مدافعین حقوق بشر و همچنین قربانیان و بازماندگان و شاهدان موارد نقض در جریان اعتراضات توسط دادگاه‌های انقلاب به نفی بلد (حبس در تبعید) محکوم شده‌اند، برخی محکوم به سکونت الزامی تا مدت ۲۱ سال در تبعید در مناطق دور افتاده شده‌اند. به محض تبعید، شرکت در گردهمایی‌ها، استفاده از تلفن یا اینترنت برای این افراد ممنوع می‌شوند و تحت نظر و مراقبت نیروهای امنیتی قرار می‌گیرند.

103- کمیته احراز می‌کند که با توسل به تبعید درون مرزی، حکومت عامدانه، افراد را مبتنی بر عقاید سیاسی یا مخالفتشان، برخلاف میلشان و با رفتاری که ماهیت قهری دارد به مکانی که از قبل توسط

وزارت اطلاعات در داخل کشور در نظر گرفته شده است، تبعید می‌کند و بدین ترتیب حق محافظت در برابر رانده‌شدگی و بیرون کردن خودسرانه از خانه یا محل زندگی را نقض می‌کند.

(1) عدم توانایی در ماندن

104- کمیته با تعداد متعددی از قربانیان و بازماندگان، شاهد ها و اعضای خانواده‌ها که ایران را ترک کرده و به خارج از کشور آمدند مصاحبه کرد. تمام موارد تحقیق شده حاکی از آن بودند که قربانیان به علت تهدیدهای مربوط به خشونت و تهدید و اجبار، ناشی از ترس دستگیریهای خودسرانه، خشونت جنسی، تعقیب کیفری و محکومیت از جمله مجازات اعدام، مجبور به ترک کشور شدند. برای نمونه، استقرار مضاعف نیروهای امنیتی بین اکتبر و نوامبر ۲۰۲۲ (مهر و آبان ۱۴۰۱) در استان آذربایجان غربی با شدت بخشیدن به ترس از خشونت و دستگیریها، بسیاری را مجبور به ترک کشور کرد.

105- چنین تهدیدها و نیروی قهری با اجرا و اعمال شدنشان، یا با تهدید به اعمال کردن قوانین و سیاستهای تبعیض‌آمیز موجود، به هم پیوستند و چنان جو ملموسی از ترس و فشار ایجاد کردند که برای بسیاری چاره‌ای جز ترک ایران باقی نگذاشتند. این ترک کشور، در شرایطی حاوی یک جو اجبار و اضطراب رخداد، جوی که در آن تصمیم به ترک، منوط به رضایت و آزادانه نبود، از اینرو تصمیم این افراد برای ترک کشور ماهیت قهری و اجبار داشت.

ب) عدم توانایی برای بازگشت

106- قربانیان پیوسته از رویارویی با مشکلات بسیار زیادی که برای تصمیم ترک کشور داشتند و از ترجیحشان به ماندن با خانواده‌ها و اجتماعاتشان و دفاع از حقوقشان در ایران گزارش دادند. تصمیم آنها برای ترک ایران به آسانی گرفته نشد چرا که می‌دانستند ممکن است احتمال بازگشت نداشته باشند.

107- برای بسیاری هنوز رویارویی با تبعات و پیامدهای خشونت‌ها و جنایاتی که در طول اعتراضات متحمل شدند ادامه دارد. برای قربانیان و بازماندگانی که دچار آسیب فیزیکی شدند، به ویژه نابینایی، رنج بردن از زخمهایی که قابل‌رویت و نمایان هستند ادامه دارد. ترس و هراس مستدل از رویارویی با تعقیب و آزار، و دقیقاً وقوع این رفتار علیه آنها به علت «نشان‌گذاری» یا داشتن علایم و آثار زخمهای فیزیکی ناشی از حمایت این افراد از اعتراضات، مانع بازگشت آنها می‌شود. بازماندگان شکنجه و تجاوز هنوز از پیامدهای فیزیکی و روانی آسیب‌های دوران بازداشت رنج می‌برند، در عین

حال، تلاش می‌کنند زندگی جدیدی را در خارج از کشور و دور از جوامع خود واکثرا دور از خانواده‌هایشان از سر بگیرند.

IX. سرکوب فراملی

108- حتی افرادی که ایران را ترک کردند و در خارج از کشور به فعالیت پرداختند در برابر تهدیدها، ارباب، و آزار واذیت آنلاین و آفلاین آسیب‌پذیر باقی می‌مانند، زیرا مقامات حکومت، سرکوب خود را به فراسوی مرزهای ایران گسترش داده‌اند. روزنامه‌نگاران ایرانی که از خارج از کشور گزارش می‌دادند و همچنین مدافعین حقوق بشر و قربانیان و بازماندگانی که برای نظارت بر جریان اطلاعات مرتبط با اعتراضات، خبررسانی می‌کردند، به ویژه هدف گرفته شدند. نه تنها این ادعاها اعتبار داشتند بلکه برای خانواده‌های این افراد تبعات قابل‌توجهی همچون بازداشت بستگان، بازجویی، یا سایر اشکال تلافی‌جویانه از جمله اخراج از کار به‌همراه داشتند. این تهدید فراسرزمینی علیه مردمی که در خاک کشور دیگری ساکن بودند، علاوه بر ترس و هراس آشکار ناشی از تهدیدهای مداوم، از جمله تهدیدهای نیابتی‌ها علیه خانواده‌های ساکن در ایران این افراد، سبب موارد نقض حقوق بشر از جمله نقض حق آزادی بیان، حق حریم خصوصی، حق حیات و حق عدم شکنجه شدند.

109- پس از «تروریست» نامیدن سازمانهای چهار رسانه خبری فارسی‌زبان، از جمله بی‌بی‌سی فارسی، ایران اینترنشنال، رادیو زمانه و رادیو فردا توسط مقامات ایرانی در سال ۲۰۲۲ توسط مقامات ایرانی، این مقامات از جمله اعضای ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، روزنامه‌نگارانی که فعالیت رسانه‌ای علیه ایران داشتند را تهدید به «عواقب» کارشان کردند.

110- این تهدیدهای فزاینده علیه روزنامه‌نگاران و کنشگران در خارج از کشور سپس به تلاش و اقدام به قتل‌ها و آدم‌ربایی چندین روزنامه‌نگار ایران اینترنشنال، از جمله در انگلستان، ایالات متحده آمریکا، اروپا و کشورهای همسایه ایران شدت پیدا کرد. بنا بر گزارشات از سال ۲۰۲۲ (۱۴۰۱) دست‌کم ۱۵ مورد اقدام به قتل یا آدم‌ربایی در انگلستان به ثبت رسیده است که منجر به افزایش اقدامات و تدابیر امنیتی و بسته شدن موقت دفاتر رسانه‌ها گشتند.

111- یکی از روزنامه‌نگاران سابق که به‌طور گسترده اعتراضات را خبررسانی می‌کرد و با خانواده‌های معترضان کشته شده مصاحبه می‌کرد به کمیته اطلاع داد که پلیس در کشور محل سکونتشان دو بار به آنها هشدار داده که تحت نظر و مراقبت ماموران اطلاعات ایرانی بوده‌اند. این قربانی اظهار داشت

که یکبار درحین سفر برون مرزی پلیس به آنها توصیه کرد به علت خطر جدی حمله ماموران حکومتی بازنگردند.

112- به طور مشابه، قربانیان و بازماندگان خارج از کشور به سبب حمایت و فعالیت خود در ارتباط با اعتراضات از طریق تلفن‌های شخصی خود، از افراد ناشناس پیام‌ها و یا تماس‌های تهدیدآمیز دریافت کردند. چنین تهدیدهایی مبتنی بر جنسیت بودند و با تهدیدهای فیزیکی و آنلاین، یا کارزارهای افترا و بدنامی همراه بودند. ماهیت و نوع تهدیدها در کنار فشار مستمر بر روی خانواده‌ها در داخل ایران (درذیل) نشان دادند که این تهدیدها بخشی از اقدام هماهنگ علیه افرادی بودند که منتقد دولت ایران محسوب می‌شدند.

113- کمیته الگوی منسجمی احراز کرد که بر پایه آن مقامات متوسل به سرکوب سازمان‌یافته افراد از طریق نیروهای نیابتی خود می‌شدند، با آزار واذیت، دستگیری‌ها و بازداشت خانواده‌های افراد در ایران، که در کشور مانده بودند. از این رو، برای اطمینان از امنیت خانواده‌ها، قربانیان مجبور به قطع رابطه با بستگان خود شدند از جمله با بلاک کردن بعضی از بستگان خود در رسانه‌های اجتماعی. قربانیان و بازماندگان همچنین تجربه عمیق ترس و اضطراب خود که سبب خانه‌نشینی و محدودیت برخی از آنها شده را شرح دادند.

X. پاسخگویی

(ا) معافیت از مجازات

114- تحقیقات کمیته اطلاعات قابل تأیید اندکی در مورد تدابیر پاسخگویی در سطح داخلی به دست آورد. این کمیته از سوی «کمیته ویژه ناآرامی‌های ۲۰۲۲» مطلع شد که «۶۲۱ پرونده قضایی علیه مأموران اجرای قانون تشکیل شده است [...] که از این تعداد، ۵۶۳ پرونده منجر به صدور احکام قضایی شده است»، از جمله پرداخت مبلغی معادل ۷۴۰۰ میلیارد تومان. با این حال، این کمیته ویژه هیچگونه جزئیات دقیقی درباره تعداد محکومیت‌ها یا تبرئه‌های کیفری، اقدامات اداری و میزان غرامت پرداختی به قربانیان ارائه نکرده و همچنین جزئیاتی درباره نقض حقوق بشر رسیدگی شده در این پرونده‌ها را ارائه نکرده است. علاوه بر این، کمیته هیچ یک از اسناد پشتیبان لازم برای تأیید کامل ادعاهای کمیته ویژه را دریافت نکرده است. دولت همچنین به این کمیته ویژه اطلاع داده است که وزارت کشور دستورالعمل جدیدی را صادر کرده که به موجب آن، «کمیسیون دائمی جبران

خسارت» و یک پروتکل برای جبران خسارت‌های ناشی از «حوادث مرتبط امنیتی» در سال جاری ایجاد شده است، اما اطلاعات بیشتری در مورد دامنه اختیارات این کمیسیون ارائه نکرده است.

115- در مورد محدود قربانیانی که پیگیری قانونی کردند، علی‌رغم دریافت گزارشات پزشکی گواه بر جراحاتشان، یا ویدئوهای حاوی حوادث، مقامات قضایی شکایات را یا به‌تعویق انداخته یا مختومه اعلام کردند. هنگامی که قربانیان گزارش می‌دادند که توسط ماموران لباس‌شخصی مجروح شدند، قضایی‌ها شکایات را به دلیل دشوار بودن شناسایی مرتکب(مرتکبین) ادعا شده مختومه اعلام می‌کردند و به آنها برای پذیرفتن «دیه» فشار می‌آوردند. پرونده‌های دیگر از جمله پرونده ژینا مهسا امینی بیش از دو سال است که بدون روند رسیدگی قضایی مؤثر متوقف شده‌اند. خانواده‌ها، قربانیان و وکلای این افراد، بی‌وقفه و بی‌رحمانه مورد آزار واذیت و تعقیب قضایی بوده‌اند و هستند و یا درعوض برای مطالبه پاسخگویی تنبیه و مجازات می‌شوند.

116- هرچند، حداقل دو پرسنل رسمی نظامی به اتهام کشتن دو معترض، متهم به قتل و محکوم به مجازات اعدام با حکم قصاص شدند، و تعدادی دیگر، و شماری از ماموران رسمی امنیتی درجه پایین در جریان حوادث «جمعه خونین» نیز به همین ترتیب، به سبب فقدان اطلاعات علنی درباره روند‌های دادرسی در محاکمه‌ها، به نظر می‌رسد که نه تدابیر جبرانی متناسبی برای قربانیان ارائه داده شده‌اند و نه عدم تکرار جرایم ضمانت شده‌اند.

117- از این رو، تداوم پیگیری در مورد تدابیر و اقدامات جامع پاسخگویی و مسئول نگه‌داشتن مرتکبین موارد نقض در ایران، و در صورت فقدان این اقدامات در کشور، در خارج از کشور، مطابق با انتظارات بسیاری از قربانیان و بازماندگان، ضروری می‌باشد.

118- در نوامبر ۲۰۲۴ (آبان ۱۴۰۳) کمیته برای آشنایی با استنباط و تعبیر قربانیان و خانواده‌های آنها از عدالت، حقیقت و اقدامات جبرانی، جلسات مشاوره و تبادل‌نظری با آنها برگزار کرد تا اطمینان حاصل شود توصیه‌های کمیته ناظر بر تدابیر و اقدامات پاسخگویی و مسئول نگه‌داشتن مرتکبین، بازتابنده انتظارات قربانیان، از جمله زنان، کودکان و اقلیتها خواهند بود. قربانیان و بازماندگان، انتظارات خود را در ارتباط با تدابیر و اقدامات پاسخگویی جامع، که شامل بر دستیابی به حقیقت، عدالت، اقدامات جبرانی متناسب و ضمانت عدم تکرار جرایم توسط حکومت می‌گردند، ابراز کردند. کمیته در اسناد اتاق کنفرانس موجود، یک نقشه راهبردی جهت دستیابی به عدالت و پاسخگویی برای جوامع بین‌المللی و سایر دست‌اندرکاران این تلاش و کوشش مشترک، تهیه کرده‌است که از جمله

شامل توصیه‌هایی در ارتباط با تعقیب‌های قضایی، اصلاحات حقوقی داخلی و تشکیل یک صندوق برای قربانیان می‌باشند.

ب) یافته‌ها

119- کمیته، در طول ماموریت دوم خود، به مدارک و شواهدی که مبنا و اساس گزارشات قبلی این کمیته را تشکیل می‌دادند به نحو قابل ملاحظه و معناداری، انسجام و استحکام بیشتری بخشید. کمیته، نتایج و یافته‌های خود مبنی بر ارتکاب موارد فاحش نقض حقوق بشر توسط مقامات ایرانی در جریان اعتراضات را که بسیاری از آنها مصداق جنایات علیه بشریت داشتند، به‌ویژه جرایم قتل، حبس، شکنجه، تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی، آزار و تعقیب، ناپدیدسازی قهری و سایر اعمال غیرانسانی که بعنوان بخشی از یک حمله گسترده و سازمان‌یافته علیه غیرنظامیان یعنی زنان و دختران و سایر افراد حامی حقوق بشر از جمله علیه اقلیتهای اتنیکی و مذهبی و افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ ارتکاب یافتند را، مجدداً تایید می‌کند.

120- تحقیقات بیشتر همچنین، تبعات نامتناسب و بی‌رویه این جنایات علیه بشریت برای کودکان، که در کنار دیگران در صف اول اعتراضات بودند را، مجدداً به‌تایید رساند. مغایر با تعهدات ایران برای رعایت «مصلح عالی‌ه کودکان»، مقامات بین معترضان کودک و معترضان بزرگسال تفاوتی قائل نشدند، و در خیابان‌ها، در بازداشت و در موقعیتهای قضایی با کودکان با خشونت رفتار کردند. در نتیجه این رفتار خشونت آمیز، کودکان دچار چنان آسیب عمیق و غیرقابل درکی شدند که آثار آن نسلها ادامه می‌یابند.

121- کمیته همچنین احرار نمود که اقلیتهای اتنیکی و دینی، به‌ویژه کردها و بلوچ‌ها و همچنین افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+، قربانیان جنایات علیه بشریت شدند و بعنوان گروه‌های تفکیک شده تحت تعقیب و آزار، تحت تاثیر قرار گرفتند. کمیته احرار کرد که بعنوان بخشی از جمعیت غیرنظامی هدف گرفته شده، مقامات با عزم تبعیض شدیدتری علیه کردها و بلوچ‌ها و نیز افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ اقدام کردند که علت آن، حمایت و شرکت این افراد در اعتراضات بود. با توجه به دهه‌ها سال تبعیض نهادینه شده و ساختاری عمیقاً ریشه‌دار و به حاشیه‌راندگی این گروه‌ها، حکومت شرایط و محیط آسانی برای چنین رفتارهای مجرمانه‌ای ایجاد کرد.

122- درحالی که اعتراضات کاهش پیدا کرده‌اند، رفتارهای در راستای تعقیب و آزار شکل‌های دسیسه‌آمیزتری به‌خود گرفته‌اند که شامل احکام مرگ و اعدام، بازداشت خودسرانه، از جمله در پی

محاکمات به شدت غیرعادلانه، آزار و اذیت قضایی و فیزیکی و تهدیدات و ارعاب، می‌شوند. کمیته احرار می‌کند که رفتارهای در راستای تعقیب و آزار مبتنی بر جنسیت، به شکل سرکوب مداوم زنان و دخترانی که از قوانین حجاب اجباری نافرمانی می‌کنند و همچنین معترضان و خانواده‌های آنها و سایر گروه‌های حامی برای پاسخگویی شامل حقیقت، عدالت و جبران خسارت ادامه دارند. تشدید استفاده از مجازات اعدام به ویژه علیه زنان، به منظور ارعاب، ساکت کردن و بازداشتن آنها از اطلاع رسانی، یا اعتراضات خیابانی، در کنار جمعیت گسترده‌تر، باری دیگر، هشداردهنده و نگران‌کننده است. صدها معترضی که اینک با ناتوانی‌های دائمی از جمله نابینایی زندگی می‌کنند، یا به دلیل حمایت خود از برابری و حقوق زیر پرچم «زن، زندگی، آزادی» با آسیب‌های روحی و روانی مداوم روبرو هستند هنوز قربانیان و بازماندگان متاثر از این تعقیب و آزار محسوب می‌شوند و باقی خواهند ماند.

123- در موازات، و بجای مخاطب قراردادن و رسیدگی به نارضایتی‌ها و رنج‌های مشروع معترضان، مقامات حکومت به اعمال و همچنین گسترش دامنه قوانین و سیاستهای تبعیض‌آمیز، علیه زنان و کودکان و کسانی که در همبستگی با معترضان فعالیت می‌کنند را، به قصد محروم کردن قربانیان و بازماندگان از دسترسی به حقیقت، عدالت یا اقدامات جبرانی ادامه داده‌اند. دستگاه حکومت برای جرم‌انگاری نافرمانی‌ها یا مخالفتها، از طریق بازداشت‌های غیرقانونی، تهدیدها، اذیت و آزار، نظارت تجسسی مضاعف و تنگ‌کردن فضای مدنی هم در ایران و هم در خارج از کشور از طریق سرکوب فراملی، بسیج شده و کاملاً مجهز باقی مانده است. چنین رفتارهایی اشاره بر ادامه عزم تعقیب و آزار از سوی مقامات دارند و با توجه به یافته‌های گذشته کمیته در ارتباط با جنایات علیه بشریت و تداوم معافیت از مجازات، خطر واقعی تکرار موارد جدی نقض حق حیات و سایر جنایات که در گزارشهای کمیته مستند شده‌اند، وجود دارند.

پ) مسئولیت

124- کمیته در گزارش‌ها و یافته‌های خود، جزئیات نقش نهادهای مختلف، در ارتباط با موارد نقض حقوق بشر ارتکاب یافته و همچنین عدم استفاده این نهادها از تمام تدابیر و اقدامات معقول و الزامی جهت پیش‌گیری، حفاظت و تنبیه جرایم را تشریح کرد. کمیته نظر بر این دارد که این امر سبب بروز نقض تعهدات بین‌المللی ایران تحت میثاق بین‌المللی و قانون عرفی می‌گردد.

125- کمیته در ادامه، تحقیقات خود را به نقشها، ساختارها، و مسئولیتهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،

بسیج، وزارت اطلاعات، وزارت کشور، پلیس(فراجا)، از جمله یگانهای ویژه فراجا و «پلیس امنیت اخلاقی»، فرمانداران استانها، و قوه قضاییه بسط داد. یافته‌های مربوط به چهار محدوده تحقیقات، به عبارتی استفاده از قوای قهریه، بازداشت، نقش قوه قضاییه و اعمال حجاب اجباری، در اسناد اتاق کنفرانس کمیته توصیف شده‌اند. در ارتباط با قوه قضاییه، کمیته نظر بر این دارد که در شرایط معینی، قاضی‌ها برای اعمالشان دارای مسئولیت کیفری فردی هستند. پرونده‌های مورد تحقیق، نقش خیلی فعال برخی از قاضی‌ها در سرکوب خشونت‌بار معترضان و حفظ و دائمی کردن یک نظام تعقیب و آزار را ترسیم می‌کند. قضات با اتکا بر شواهد و مدارک اخذ شده زیر شکنجه و در دادرسی‌هایی که با نقض‌های فاحش محاکمه عادلانه مخدوش شده بودند، احکام اعدام صادر کردند. قضات برای پایداری و حفظ سیاست دولت و تثبیت و دفاع از یک نظام نهادینه شده و ساختاری تبعیض مبتنی بر جنسیت همکاری و مشارکت کرده‌اند.

126- با توجه به نقش‌ها و اختیاراتشان در نهادهای ذکر شده در بالا، رؤسای این نهادها مسئول هستند.

127- در زمینه مأموریت حفظ و نگاه‌داری، کمیته یک نقشه راهنمای مفصل و دقیق از ساختارهای نهادهای کشور فراهم آورده است، که اطلاعاتی گزیده از آن در پیوست این گزارش و گزارش اتاق کنفرانس در دسترس می‌باشد. کمیته همچنین اطلاعات و مطالبی در ارتباط با هویت‌ها و مسئولیت مرتکبین ادعا شده موارد نقض، گردآوری و تحلیل و بررسی کرده است، این اطلاعات در یک فهرست محرمانه گنجانده شده است که در پایان مأموریت برای به کمیسر عالی تحویل داده خواهد شد.⁷ کمیته خاطرنشان می‌کند که این یک نهاد تحقیقاتی است، نه یک نهاد قضایی. بنابراین، هرگونه تعیین نهایی مسئولیت کیفری باید توسط مقامات قضایی و پس از برگزاری دادرسی‌هایی که با استانداردهای محاکمه عادلانه و تضمین‌های دادرسی منصفانه مطابق با قوانین بین‌المللی حقوق بشر سازگار باشد، انجام شود. در نهایت، کمیته مشخصات و پروفایل‌هایی از نهادها، وقایع، و افراد مظنون تهیه کرده است. کمیته توصیه می‌کند که تحقیقات بر روی ساختارها و پروفایل‌ها ادامه دارند، به ویژه در ارتباط با گردآوری مدارک و شواهد مرتبط کننده تکمیلی و بیشتر، به‌منظور استفاده در اقدامات حقوقی.

⁷ See also OHCHR publication “Who is responsible?”

XI. نتیجه و توصیه‌ها

- 128- نگرانی‌ها در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، گسترده و پیچیده هستند و از هر دو دامنه صلاحیت زمانی و موضوعی ماموریتی که توسط شورای حقوق بشر به این کمیته سپرده شده، فراتر می‌روند.
- 129- با توجه به سنگینی بار نتایج و یافته‌های کمیته در ارتباط با ارتکاب موارد نقض فاحش حقوق بشر و جنایات علیه بشریت در طول دو سال گذشته، کمیته یادآور می‌شود که این نتایج شامل بر رفتارهای در راستای تعقیب و آزار مداوم علیه زنان و دختران و همچنین موارد احکام اعدام و اعدام‌ها، اذیت و آزار قضایی و سایر اشکال اذیت و آزار حامیان حقوق بشر و معافیت از مجازات نظام‌مند در ارتباط با این رفتارها، می‌گردند. این نگرانی‌های جدی در مورد حقوق بشر، در ترکیب با خطر تکرار جرایم علیه کسانی که به ابراز مخالفت خود ادامه می‌دهند و دولت و سیاست‌هایش را به چالش می‌کشند، ادامه قاطعانه رسیدگی و دردستورکار نگهداشتن وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران را، برای شورای حقوق بشر و جامعه بین‌المللی ضروری می‌کند.
- 130- کمیته توصیه‌های گزارش‌های قبلی خود را که متأسفانه تا این تاریخ پیاده و اجرا نشده‌اند، تأکید و تکرار می‌کند. همچنین پیشنهاد می‌کند که با به پایان رسیدن ماموریت کمیته حقیقت‌یاب، یک نهاد مستقل، توسط شورای حقوق بشر با هدف پیگیری و ادامه کار کمیته حقیقت‌یاب تشکیل شود. چنین نهادی باید به تحقیق و بررسی ارتکاب موارد جدی نقض حقوق بشر و جنایات علیه بشریت گزارش شده در ایران، شامل گذشته و حال، علل ریشه‌ای این موارد نقض و جنایات، از جمله تبعیض ساختاری و نظام‌مند علیه زنان، مردان و کودکان، از جمله تبعیض مبتنی بر جنسیت، اتنیک و یا مذهب و یا عقاید سیاسی، بپردازد. این نهاد باید رسیدگی و پیگیری پاسخگویی داخلی و بین‌المللی و تحقیق کمیته در ارتباط با مسئولیت مرتکبین جرایم گزارش شده، در هر دو مورد نهادهای دولتی و فردی، مستندسازی، راستی‌آزمایی، منسجم کردن و حفظ و نگاهداری مدارک و شواهد جهت اقدامات و روندهای حقوقی را ادامه دهد. این نهاد باید ماموریت صریحی دایر بر همکاری با مقامات قضایی پیرو استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی و سایر نهادهای حقوقی یا شبه حقوقی که در زمینه حفاظت از حقوق قربانیان کار می‌کنند و همکاری نزدیک و مشاوره با قربانیان، بازماندگان، جامعه مدنی و سایر دست‌اندرکاران مربوطه، دریافت کند.

